

رهیافتی برای برنامه ششم توسعه از منظر سرمایه اجتماعی مورد نیاز اقتصاد دانایی محور؛

با نگاهی به برنامه‌های چهارم و پنجم جمهوری اسلامی ایران

محمدنقی نظریور*

محمدرضا یوسفی شیخ رباط**

فائزه فروزان***

تاریخ دریافت: ۹۳/۴/۲۱ تاریخ پذیرش: ۹۳/۷/۲۷



چکیده

در اواخر قرن بیستم با روی کار آمدن اقتصاد دانایی محور، چارچوب برنامه‌های توسعه تغییر کرده و بر مبنای مؤلفه‌های دانایی تنظیم شده است؛ ایران نیز برای دستیابی به توسعه اقتصادی در این عصر، برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه خود را بر مبنای دانایی تنظیم کرده است. در این عصر، سرمایه اجتماعی به عنوان یک پیش‌نیاز حیاتی برای تشکیل فرایند تولید، توزیع و کاربرد دانش و ایجاد مؤلفه‌های دانایی ضروری است؛ لذا این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که در تدوین برنامه ششم توسعه، برای ایجاد سرمایه اجتماعی مورد نیاز اقتصاد دانایی محور چه رهیافتی باید اعمال شود. نتایج بررسی متن برنامه چهارم توسعه کشور نشان می‌دهد که به ایجاد اعتماد و مشارکت در فعالیت‌های پژوهشی توجه کامل شده است. اما در مورد هنجارها و شبکه‌های پژوهشی کاستی‌هایی وجود دارد. در متن برنامه پنجم نیز تنها در قالب یک ماده به هنجارهای علم‌گرایی، مشارکت و ایجاد شبکه‌های پژوهشی پرداخته شده و تمام مواردی که منجر به اعتماد می‌شود، در نظر گرفته نشده است. لذا در برنامه ششم، دولت می‌تواند با انجام اقدامات لازم از جمله اصلاح نظام آموزشی (به منظور ایجاد هنجارهای علم‌گرایی و ایجاد روحیه نوآوری)، تدوین قوانین و نظارت بر اجرای آنها (مانند حقوق مالکیت فکری)، سرمایه‌گذاری در بخش‌های دانش محور، سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های R&D، ایجاد شبکه‌های اجتماعی علمی و پژوهشی و نظام جامع اطلاعاتی، برقراری ثبات سیاسی و اقتصادی و ایجاد زیرساخت‌های ICT، سرمایه اجتماعی مورد نیاز دانایی را ایجاد و ترمیم کند.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، اقتصاد دانایی محور، برنامه چهارم توسعه، برنامه پنجم توسعه، برنامه ششم توسعه

طبقه‌بندی JEL: O10, O38, Z13

nazarpour@mofidu.ac.ir

yousefi@mofidu.ac.ir

faezehforouzan@yahoo.com

* دانشیار دانشگاه مفید

** استادیار دانشگاه مفید

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه مفید علوم اقتصادی



مقدمه

در اواخر قرن بیستم با روی کار آمدن اقتصاد دانایی محور^۱ و تبدیل شدن دانش و فناوری به کلیدی ترین عامل رشد و توسعه اقتصادی، شکاف جدیدی با عنوان شکاف دانش، میان کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه به وجود آمد؛ از این رو، به منظور کاهش این شکاف و دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی مبتنی بر دانایی، بانک جهانی در الگوی توسعه تغییراتی به وجود آورد و آن را بر مبنای دانایی تنظیم دوباره کرد؛ این برنامه دانایی محور به منظور کمک به کشورها تنظیم شده است تا آنها بتوانند چالش‌ها و فرصت‌های اقتصاد دانایی محور را تشخیص دهند و از این طریق توسعه اقتصادی را برای خود به ارمغان آورند (World bank, 2012: 2). به عنوان مثال استرالیا و کانادا (به عنوان توسعه یافته ترین اقتصادها) چندین سیاست را در برنامه‌های توسعه خود اجرا کردند که منجر به تقویت زیرساخت‌های دانایی‌شان شد؛ این سیاست‌ها شامل، کمک به افراد به منظور دستیابی به تحصیلات بالاتر، تسهیل و تقویت استفاده از ICT، تقویت نظام نوآوری و افزایش بازدهی فعالیت‌های R&D بود (Apec^۲, 2000: 4). برخی از کشورهای آسیایی توسعه یافته نظیر چین، مالزی، تایلند و اندونزی برای دستیابی به رشد اقتصادی بر مبنای دانایی، برنامه‌های توسعه را به گونه‌ای تنظیم کردند که منجر به افزایش توانایی در تطبیق و استفاده از فناوری‌های مدرن، تغییر قوانینی چون حقوق مالکیت فکری، دسترسی افراد به تحصیلات بالاتر و تقویت زیرساخت‌های ارتباطی می‌شد. کشورهای امریکای لاتین نیز برای رسیدن به اقتصاد دانایی محور با مشکلاتی مانند کشورهای آسیایی روبه‌رو

1. Knowledge Based-Economy

2. Asian-Pacific Economic Coopratopn

بودند. این کشورها به منظور دسترسی بیشتر به سرمایه گذاری مستقیم خارجی و واردات تکنولوژی و دانش، اقدام به سرمایه گذاری در آموزش، ارتقای توانایی و مهارت در دانش و فناوری، تقویت زیرساخت های ICT و استفاده از آن کردند (Apec, 2000: 4-5). کره جنوبی نیز از دهه ۱۹۶۰ با اجرای سیاست های مناسب توانست رشد اقتصادی پایدار را برای خود به ارمغان آورد. درصد بسیار زیادی از این رشد اقتصادی به دلیل انباشت علم و دانش بود. این رشد اقتصادی دانایی محور به دلیل سرمایه گذاری زیاد بر آموزش و تربیت، تقویت نوآوری به دلیل فعالیت های گسترده R&D و توسعه زیرساخت های اطلاعاتی بود؛ که این موارد به دلیل ایجاد و کارآمد کردن نظام نهادی به وجود آمد که اجازه رشد دانش در تمام سطوح را می داد^۱ (World bank).

نکته حائز اهمیت آن است که در برنامه های دانایی به منظور تحقق اقتصادی مبتنی بر دانش و فناوری، تنها ایجاد مؤلفه های اصلی دانایی کافی نیست، بلکه در اقتصاد دانایی محور به دلیل ماهیت دانش (خصلت جمعی^۲) نیاز به وجود سرمایه اجتماعی^۳ بیش از پیش احساس می شود؛ سرمایه اجتماعی که از اواخر دهه ۱۹۹۰ به مباحث توسعه اقتصادی وارد شده است و کلیدی ترین عامل رشد و توسعه اقتصادی به شمار می رود. در عصر دانایی نیز بدون وجود آن توسعه پایدار مبتنی بر دانایی تحقق نخواهد یافت. به طور کلی، می توان گفت سرمایه اجتماعی یکی از کلیدی ترین پیش نیازهای این دوران محسوب می شود.

لذا به منظور ایجاد اقتصاد دانایی محور علاوه بر ایجاد مؤلفه های دانایی (نظیر ICT^۴، آموزش، R&D^۵ و...)، نیاز به ایجاد و یا ترمیم سرمایه اجتماعی است و این امر نیازمند یک برنامه جامع و دقیق است.

در این پژوهش تلاش می شود تا با رویکردی توصیفی-تحلیلی اهمیت و نقش

1. www.World Bank.org/WBSLTE/2011
2. Collective Action
3. Social Capital
4. Information and Communication Technology
5. Research and Development



سرمایه اجتماعی در اقتصاد دانایی محور و نقش دولت به عنوان مهم ترین نهاد رسمی در ایجاد این سرمایه برجسته شود. همچنین با توجه به نقش دولت در این راستا، پرسش پژوهش مبنی بر اینکه در تدوین برنامه ششم توسعه، برای ایجاد سرمایه اجتماعی مورد نیاز اقتصاد دانایی محور چه رهیافتی باید اعمال شود، نیز پاسخ داده می شود. به همین منظور در این پژوهش ابتدا ادبیات موضوع و پیشینه ای از مطالعات داخلی و خارجی انجام شده در زمینه سرمایه اجتماعی و اقتصاد دانایی محور بیان می شود. سپس اهمیت سرمایه اجتماعی در ایجاد اقتصاد دانایی محور مطرح شده و برنامه های چهارم و پنجم از این منظر بررسی می شود. در بخش پایانی نیز به بیان رهیافت برنامه ششم توسعه کشور پرداخته شده و در آخر نیز جمع بندی و نتیجه گیری مطرح می گردد.

۱. ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق

تعاریف مختلفی برای سرمایه اجتماعی به عمل آمده است؛ یکی از مهم ترین این تعاریف، توسط سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱ مطرح شده است. این سازمان بیان می کند که «سرمایه اجتماعی عبارت است از شبکه های درهم تنیده ای از هنجارها، ارزش ها و ادراک که همکاری میان گروهی و درون گروهی را تسهیل می کند» (OECD, 1996, 3). در تعاریف مطرح شده از سرمایه اجتماعی به مفاهیم مشترکی برمی خوریم که مؤلفه های اصلی سرمایه اجتماعی هستند؛ این مؤلفه ها عبارتند از هنجارها، اعتماد، مشارکت و شبکه های اجتماعی. با ایجاد و تقویت این مؤلفه ها در جوامع می توان سرمایه اجتماعی را ایجاد کرده و افزایش داد.

سرمایه اجتماعی موجود در هر جامعه ای دارای دو بُعد است و برای شکل گیری آن، باید هر دو بُعد در جامعه ایجاد شود. این دو بُعد عبارتند از (علمی و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۵۴-۲۲۵):

۱. سرمایه اجتماعی شناختی یا ذهنی^۲: سرمایه اجتماعی شناختی عبارت است از ارزش ها، اعتماد، گرایش ها و عقاید؛ که امری ذهنی و مفهومی نامحسوس است.

1. Organization for Economic Cooperation and Development

2. Cognitive

مانند حس اعتماد به سایرین.

۲. سرمایه اجتماعی ساختاری^۱: سرمایه اجتماعی ساختاری حاکی از ارتباطات عینی و قابل مشاهده بین افراد است. به عبارت روشن‌تر، مصداق‌های عینی سرمایه اجتماعی مانند شبکه‌های اجتماعی، تشکل‌ها، نهادها و مشارکت در فعالیت‌های گروهی مورد نظر است.

در ایجاد سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن باید هر دو بعد شکل گیرند و تنها با شکل‌گیری یک بُعد نمی‌توان از سرمایه اجتماعی کارآمدی در جامعه برخوردار بود. اما می‌توان گفت که بُعد ذهنی نسبت به بُعد ساختاری برتری دارد؛ زیرا اگر بُعد ذهنی سرمایه اجتماعی شکل گیرد و هنجارها و ارزش‌های مثبت در افراد نهادینه شوند، خودبه‌خود زمینه شکل‌گیری بُعد ساختاری را فراهم می‌سازد. اما اگر ابتدا بعد ساختاری سرمایه اجتماعی ایجاد شود و ارزش‌های ذهنی فراهم نشده باشد، نمی‌توان انتظار تشکیل سرمایه اجتماعی کارآمد و پایداری را داشت.

علاوه بر این، با روی کار آمدن اقتصاد دانایی محور میزان دسترسی کشورها به دانش و استفاده از آن، سطح توسعه‌یافتگی آنان را رقم می‌زند. لذا کشورها سعی در ایجاد مؤلفه‌های این اقتصاد دارند و سرمایه‌گذاری‌های زیادی را در این راستا انجام می‌دهند. یکی از نخستین اقداماتی که در این زمینه باید صورت گیرد، ایجاد سرمایه اجتماعی لازم در جامعه است. زیرا به دلیل اینکه اقتصاد دانایی محور مبتنی بر دانش است و دانش هم یک فعالیت جمعی است، نمی‌توان آن را جدا از ساختار اجتماعی به دست آورد. لذا در صورت ایجاد سرمایه اجتماعی مورد نیاز دانایی، فرایند دانایی با سهولت بیشتری شکل گرفته و تحقق اقتصاد دانایی محور را ممکن می‌سازد.

اهمیت سرمایه اجتماعی و اقتصاد دانایی محور به اندازه‌ای است که مطالعات داخلی و خارجی گوناگونی حول این دو موضوع انجام شده است. اما بیشتر این مطالعات جداگانه به بررسی این دو عامل پرداخته‌اند. لذا مطالعات انجام‌شده در دو قسمت توضیح داده می‌شود؛ مطالعات در مورد سرمایه اجتماعی و سپس مطالعات درباره اقتصاد دانایی محور.

الف - سرمایه اجتماعی: سوری (۱۳۸۴) اثر سرمایه اجتماعی بر دو متغیر رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری خصوصی ایران برای دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۳۳۸ را بررسی کرده است. براساس این تحقیق، تولید سرانه بدون نفت ایران رابطه منفی و کاملاً معنی‌داری با کاهش سرمایه اجتماعی دارد و کشش آن حدود ۰/۰۵- است. همچنین رابطه معنی‌دار میان رشد تولید سرانه بدون نفت و نرخ کاهش سرمایه اجتماعی نیز حدود ۰/۱۳- است. به عبارت دیگر، شاخص کاهش سرمایه اجتماعی رابطه منفی و کاملاً معنی‌داری با رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ایران دارد.

امیری و رحمانی (۱۳۸۵) در بررسی نحوه اثرگذاری دوگانه سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ۲۸ استان کشور با استفاده از روش OLS برای دوره زمانی ۱۳۸۲-۱۳۷۹، بیان می‌کنند که سرمایه اجتماعی برون‌گروهی اثر مثبت و معنی‌داری در سطح خطای ۵ درصد بر رشد اقتصادی دارد؛ یعنی با افزایش یک واحد عضویت افراد در انجمن‌ها و گروه‌ها، رشد اقتصادی به میزان ۰/۱۲ واحد (با فرض ثبات سایر شرایط) افزایش می‌یابد. متغیر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی نیز اثر منفی و معنی‌داری در سطح خطای ۱۰ درصد بر رشد اقتصادی دارد.

رحمانی، **عباسی‌نژاد** و امیری (۱۳۸۶) با استفاده از مدل‌های رشد اقتصادی و روش اقتصادسنجی فضایی به بررسی نحوه اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که با ثبات سایر شرایط، افزایش یک واحد شاخص سرمایه اجتماعی، رشد اقتصادی ۰/۱۸ درصد افزایش می‌یابد.

عسگری و توحیدی‌نیا (۱۳۸۶) تأثیر سرمایه اجتماعی، معنوی و مذهبی را بر رشد و توسعه اقتصادی بررسی کرده‌اند. آنان با روشی توصیفی-تحلیلی بیان می‌کنند که سرمایه اجتماعی، معنوی و مذهبی از طریق سازوکارهایی چون کاهش فقر، افزایش کارایی بازار، کاهش هزینه‌ها، افزایش کارایی سایر سرمایه‌ها، ایجاد نهادها و سازمان‌های اقتصادی و بهبود عملکرد آنها، توسعه بازارهای مالی، افزایش سرمایه‌گذاری، افزایش نوآوری بر رشد و توسعه اقتصادی اثر می‌گذارد.

زک و ناک^۱ (۲۰۰۱) رابطه رشد اقتصادی و اعتماد در ۴۱ کشور را مطالعه

1. Zak & Knack

کرده‌اند. با بهره‌گیری از روش OLS آنها نتیجه می‌گیرند که در تمام کشورهای مورد مطالعه، اعتماد اثر معناداری بر رشد اقتصادی دارد.

کریستوفورو^۱ (۲۰۰۲) به بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی یونان و مقایسه آن با اتحادیه اروپا پرداخته است. نتایج تخمین رگرسیون نشان می‌دهد که ضریب مثبت ۰/۷۸۴ که در سطح آماری ۱ درصد معنادار است، وجود دارد؛ که نشان‌دهنده رابطه مثبتی میان سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی است.

ویل و اکامک^۲ (۲۰۰۸) در بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی، نوآوری و رشد اقتصادی در اتحادیه اروپا با استفاده از مدل 3SLS بیان می‌کنند که اثر سرمایه اجتماعی به صورت غیرمستقیم و آن هم از کانال نوآوری بر رشد اقتصادی صورت می‌گیرد. نتایج بیانگر آن است که بین سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۲، ۱۵ درصد رشد اقتصادی مناطق اروپا به صورت غیرمستقیم و از کانال نوآوری صورت گرفته است.

موسائی، ابهری و گرشناسی فخر (۲۰۱۱) رابطه سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی ایران و ۷۲ کشور جهان را با استفاده از مدل رشد نئوکلاسیک بررسی کرده‌اند. نتایج، نشان‌دهنده اثر مثبت سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی است. به گونه‌ای که ۱۵ واحد افزایش سرمایه اجتماعی، رشد اقتصادی را ۰/۲۸ درصد افزایش می‌دهد.

ب - اقتصاد دانایی محور: مشیری و جهانگرد (۱۳۸۳) به برآورد تأثیر فناوری ارتباطات و اطلاعات بر رشد اقتصادی ایران می‌پردازند. نتایج تخمین روش فضا-حالت حاکی از تأثیر مثبت و معنی‌دار این متغیر بر رشد اقتصادی بوده است. متوسط رشد سالانه سرمایه‌گذاری در ارتباطات طی دوره ۱۳۷۶-۱۳۸۱ معادل ۶/۹ درصد است؛ که معادل نرخ رشد متوسط کل سرمایه‌گذاری در کشور است. این مسئله به معنی این است که فناوری اطلاعات و ارتباطات به رشد اقتصادی ایران کمک کرده است و تأثیر آن بر رشد اقتصادی نیز معنی‌دار است.

محمودزاده و محسنی (۱۳۸۴) تأثیر فناوری‌های وارداتی بر رشد اقتصادی در ایران را بررسی کرده‌اند. نتایج روش هم‌انباشتگی جوهانسن نشان می‌دهد که

1. Christoforou
2. Weel and akcomak



هیچ‌گونه رابطه علیت از واردات واسطه‌ای به تولید ناخالص داخلی غیرنفتی وجود ندارد. اما یک رابطه ضعیف علیت از واردات واسطه‌ای به تولید ناخالص داخلی مشاهده می‌شود. اثر بلندمدت نهاده‌های وارداتی واسطه‌ای و سرمایه‌ای به میزان ۵ درصد قابل ملاحظه است.

شمسی (۱۳۸۵) به بررسی اهمیت نهادها در عصر دانایی و بررسی برنامه چهارم توسعه در این ارتباط می‌پردازد. او با روشی توصیفی-تحلیلی بررسی وضعیت نهاده‌های رسمی با استفاده از شاخص اقتصاد دانایی محور بانک جهانی، نتیجه می‌گیرد که برای تحقق اقتصاد دانایی محور در ایران، شرایط اولیه برای تولید و کاربست دانش در جامعه وجود ندارد. علاوه بر این، او با بررسی متن قانون برنامه چهارم توسعه ایران بیان می‌کند که نهاده‌های رسمی و نهاده‌های عمومی مورد نیاز تحقق اقتصاد دانایی محور لحاظ شده است؛ اما در متن قانون برنامه توجه چندانی به نهاده‌های غیررسمی نشده است.

بهبودی و امیری (۱۳۸۹) با بهره‌گیری از روش آزمون هم‌انباشتگی جوهانسن و آزمون فیلیس-پرون به بررسی رابطه بلندمدت بین محورهای مختلف دانش در چارچوب اقتصاد دانش بنیان و رشد اقتصادی ایران پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که میان محورهای مختلف دانش (سرمایه انسانی و آموزش، رژیم‌های نهادی و زیرساخت‌های اطلاعاتی) یک رابطه بلندمدت وجود دارد. به بیان دیگر، تمام محورهای دانش تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی ایران دارند.

چین و داهمن^۱ (۲۰۰۴) تأثیر جنبه‌های مختلف دانش بر رشد اقتصادی ۹۲ کشور را با استفاده از روش داده‌های تابلویی بررسی کرده‌اند. نتیجه اینکه جنبه‌های مختلف دانش (سرمایه انسانی، نوآوری و تطبیق فناوری و زیرساخت ICT) دارای اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی بلندمدت هستند. نتایج سرمایه انسانی نشان می‌دهد که ۲۰ درصد افزایش در میانگین سال‌های تحصیل، میانگین رشد اقتصادی سالانه را ۰/۱۵ درصد افزایش می‌دهد. در مورد نوآوری نیز ۲۰ درصد افزایش در تعداد ثبت اختراعات، سالانه رشد اقتصادی سرانه ۳/۸ درصد افزایش پیدا می‌کند.

1. Chen & Dahman

زمانی که تعداد تلفن به ازای هر ۱۰۰۰ نفر (زیرساخت ICT) ۲۰ درصد افزایش یابد، رشد اقتصادی سرانه ۰/۱۱ درصد افزایش پیدا می کند.

وو^۱ (۲۰۰۵) در یک مقایسه بین کشوری به بررسی اثر ICT بر رشد اقتصادی ۵۰ کشور صنعتی پرداخته است. او با استفاده از روش OLS نتیجه می گیرد که در تمام ۵۰ کشور سرمایه گذاری در ICT اثر معنی داری در سطح ۱ درصد بر رشد اقتصادی دارد و اینکه سطوح بالاتر انباشت سرمایه ICT سرانه، موجب نرخ رشد اقتصادی بالاتر می شود.

کاراگیانیز^۲ (۲۰۰۷) در بررسی اثر اقتصاد دانش بنیان بر رشد اقتصادی ۱۵ کشور عضو اتحادیه اروپا با روش OLS نتیجه می گیرد که شاخص های دانش محور نظیر سرمایه انسانی و سرمایه گذاری در ICT اثر مثبت و معنی داری بر رشد اقتصادی دارد. همچنین مخارج تحقیق و توسعه نتیجه اثرات مثبت و معنی دار نرخ تولید ناخالص داخلی است.

با بررسی مطالعات انجام شده در مورد سرمایه اجتماعی مشاهده می شود که بخشی از این مطالعات در زمینه اهمیت سرمایه اجتماعی در رشد و توسعه اقتصادی بوده است. همچنین در بحث اقتصاد دانایی محور نیز مطالعات انجام شده، اهمیت این موضوع را برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی در عصر دانایی مطرح می کنند. همان گونه که مشاهده می شود، این دو موضوع جداگانه مورد بررسی قرار گرفته اند. علاوه بر این، در مطالعات درباره دانایی تنها مؤلفه های اصلی اقتصاد دانایی محور (نظیر فعالیت های R&D، نهادها، نظام انگیزشی، حقوق مالکیت فکری، زیرساخت های ICT) برای رشد و توسعه اقتصادی مطرح شده اند و حرفی از سرمایه اجتماعی برای کامیابی اقتصاد دانایی محور به میان نیامده است.

لذا در این پژوهش به بیان اهمیت سرمایه اجتماعی برای تحقق اقتصاد دانایی محور و کانال های اثرگذاری آن پرداخته می شود. در این راستا برنامه های چهارم و پنجم توسعه نیز از این منظر بررسی می شوند تا مشخص شود تا چه میزان در ایران به این موضوع توجه شده است. در نهایت نیز رهیافت برنامه ششم توسعه

1. VU

2. Karagiannis

از این منظر بیان می‌شود.

۲. چارچوب نظری

سرمایه اجتماعی تشکیل فرایند تولید، توزیع و کاربرد دانش را شکل داده و ایجاد مؤلفه‌های اقتصاد دانایی محور را تسهیل می‌کند؛ که به این وسیله تحقق اقتصادی مبتنی بر دانایی را ممکن ساخته و توسعه اقتصادی را امکان پذیر می‌سازد. به دلیل اهمیت بالای سرمایه اجتماعی و برای اینکه بتوان مواد مستقیم و غیرمستقیمی که در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه کشور به سرمایه اجتماعی مورد نیاز اقتصاد دانایی محور پرداخته شده را شناسایی کرد، ابتدا در این قسمت کانال‌های اثرگذاری مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر اقتصاد دانایی محور توضیح داده خواهد شد. در برنامه‌های چهارم و پنجم نیز این مؤلفه‌ها و نحوه اثرگذاری‌شان بررسی می‌شود تا مشخص شود که تا چه میزان به سرمایه اجتماعی مورد نیاز دانایی توجه شده است. مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی از راه‌های زیر بر فرایند تولید، توزیع و کاربرد دانش اثر می‌گذارند:

۲-۱. هنجارها^۱

هنجارها و ارزش‌ها (نظیر علم‌گرایی، کنجکاوی، پذیرش ریسک و داشتن آرزوهای بزرگ برای کسب دانش) در شکل‌گیری و ترویج دانش در جامعه دخالت دارند؛ زیرا تولید، توزیع دانش اساساً به نحوه نگرش جامعه درباره دانش و اشتیاق آن به اتخاذ آن بستگی دارد. ایجاد و تقویت چنین هنجارهایی در جامعه می‌تواند روح علمی را در کشور بپروراند. اگر روح علمی در جامعه به وجود نیاید، علم رشد نمی‌کند و اگر علم و دانش شکوفا نشود و گسترش نیابد، تکنولوژی نیز به‌بار نخواهد نشست (یوسف‌پور، ۱۳۷۹: ۲۸۰). در واقع همین هنجارهای علم‌گرایی و دانش‌پژوهی هستند که بُعد ذهنی سرمایه اجتماعی را می‌سازند. همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، بعد ذهنی در اولویت قرار دارد و پس از ایجاد این بُعد و ایجاد هنجارهای مناسب می‌توان انتظار داشت بُعد ساختاری سرمایه اجتماعی، سرمایه



اجتماعی مورد نیاز دانایی نیز ایجاد می‌شود. زمانی که چنین هنجارها و فرهنگی در جامعه شکل گیرد، افراد جامعه خودبه‌خود به سمت تولید، توزیع و استفاده از دانش روی می‌آورند؛ این امر به تدریج موجب رسوخ دانش و تکنولوژی در تمام سطوح تولیدی کشور می‌شود؛ از این رو، به نظر می‌رسد که در ابتدا به منظور تولید و استفاده از دانش، نیازمند یک کار فرهنگی هستیم؛ که ایجاد چنین هنجارهایی در واقع به معنای ایجاد همان سرمایه اجتماعی است.

به‌طور کلی، سرمایه اجتماعی می‌تواند هنجارها و رفتارهای علم‌گرایی، پژوهشی و کنجکاوی را در افراد پیروان و آنها را درونی کند^۱. هرچه این هنجارها بیشتر در افراد جامعه نهادینه شود، تولید علم، انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی مانند R&D، کاربست تکنولوژی و به‌کارگیری افراد ماهر و متخصص در تولید گسترش می‌یابد؛ که نتیجه آن ابداع و ترویج نوآوری‌ها، خلق و پیشرفت تکنولوژی‌ها، پیشرفت و ارتقای دانش و در نهایت گام نهادن به سمت اقتصاد دانایی محور است.

علاوه بر سرمایه انسانی، وجود کارآفرینان^۲ و نوآوران نیز برای چنین اقتصادی ضروری است؛ زیرا فعالیت‌های کارآفرینی و ارائه نوآوری‌ها اقتصاد دانایی محور را پویا و روبه‌جلو می‌سازد. ترویج روحیه جسارت و کنجکاوی در افراد سبب می‌شود که آنان به سمت فعالیت‌های نوآورانه و خلق ایده‌های نو بروند. این امر به نوبه خود منجر به افزایش فعالیت‌های کارآفرینی^۳ در جامعه می‌شود. در دنیای امروزی دیگر نمی‌توان تنها به چند کارآفرین تکیه کرد. بلکه موفقیت کشورها در گرو ایجاد محیطی فرهنگی و اجتماعی است، که در آن کارآفرینی به گونه‌ای فعال تشویق شده و پرورش یابد (بل، ۱۳۸۲: ۸۹). اگرچه کارآفرینان ارزش‌ها و باورهای متمایزی از افراد جامعه دارند، ولی فرهنگ کارآفرینی از فرهنگ حاکم بر جامعه تأثیرپذیر است. به همین دلیل علاوه بر رفتارها و آرمان‌های فردی، عقاید اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، پاداش‌دهی به رفتارها، آرمان‌های ملی نیز در ایجاد و گسترش کارآفرینان و نوآوران مؤثر هستند. در واقع می‌توان گفت، نیازمند ایجاد یک فرهنگ کارآفرینی

1. Internalized
2. Entrepreneurs
3. Entrepreneurship



هستیم که در آن، نظام ارزشی، زمینه گرایش به رفتارها و ویژگی‌های کارآفرینانه وجود دارد (علائی، ۱۳۹۰: ۱۱۲). ترویج روحیه خلاقیت، جسارت و باورهای فردی و همچنین ایجاد فرهنگ کارآفرینی در جامعه و پذیرش آن از سوی افراد جامعه تنها در سایه سرمایه اجتماعی امکان‌پذیر است.

در عصر دانایی تنها تولید دانش و تکنولوژی مهم نیست بلکه، آنچه اهمیت دارد استفاده از این دانش و تکنولوژی‌ها در تولید است. علاوه بر اهمیت سرمایه اجتماعی در ایجاد هنجارهای علم‌گرایی و کارآفرینی، در این دوران سرمایه اجتماعی در زمان استفاده از تکنولوژی‌ها نیز اهمیت دارد. بسیاری از کشورها توانایی تولید تکنولوژی در داخل کشور خود را ندارند و اقدام به واردات آن می‌کنند. هر تکنولوژی متناسب با ساختار اجتماعی، اقتصادی، نهادها و فرهنگ کشوری که در آن تولید می‌شود، شکل گرفته و کاربرد دارد. به همین دلیل ممکن است در کشور دیگر (که دارای شرایط متفاوتی است) چنین کارایی‌ای نداشته باشد. در واقع در زمان واردات تکنولوژی، مشکل بُعد نرم‌افزاری آن است که ممکن است با ساختار کشور گیرنده تطابق نداشته باشد. زیرا در زمان انتقال آن، هنجارهای آن جامعه (بُعد ذهنی) نیز منتقل می‌شوند. حال اگر این هنجارها با هنجارهای موجود در کشور گیرنده مغایرت داشته باشد، کشور بر سر دوراهی انتخاب تکنولوژی و یا پایبند بودن به هنجارهای موجود قرار می‌گیرد (اموری، ۱۳۸۲: ۶۸)؛ در نتیجه صدمه جدی بر فرهنگ جامعه وارد شده و جامعه دچار دوگانگی فرهنگی می‌شود. به این معنا که هنجارهای تکنولوژی وارداتی متناسب با هنجارهای موجود نبوده و قادر به برقراری ارتباط با آن نیز نیستند. بسیاری از مردم، تکنولوژی را به چشم یک تریلی می‌بینند که جامعه و مردم را با خود می‌کشد، اما حقیقت این است که جامعه تقویت یا حذف یک تکنولوژی را انتخاب می‌کند (بل، ۱۳۸۲: ۹۰). هنجارها و ارزش‌های موجود در یک جامعه میزان جذب و استفاده از تکنولوژی وارد شده را تعیین می‌کنند و هرچه کشور از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردار باشد، جذب، تطبیق و کاربرد تکنولوژی سریع‌تر صورت می‌گیرد. لذا به کمک سرمایه اجتماعی می‌توان پیش از وارد کردن یک تکنولوژی، هنجارهای مورد نیاز آن را ایجاد کرد تا پس از واردات، انطباق لازم برقرار شود.

۲-۲. اعتماد^۱

حفاظت از دارایی‌های افراد دشوار است. اما در عصر دانایی که ماهیت دارایی افراد لمس‌ناپذیر^۲ است، محافظت از آن بسیار دشوارتر شده است؛ از این‌رو، نیازمند قوانینی هستیم تا در سایه آن بتوان از دارایی‌های ذهنی افراد حفاظت کرد؛ یکی از این قوانین، حقوق مالکیت فکری^۳ است. براساس تعریف سازمان جهانی مالکیت فکری WIPO^۴، حقوق مالکیت فکری عبارت از حقوق قانونی ناشی از فعالیت فکری در زمینه‌های صنعتی، علمی، ادبی و هنری است (خدایپرست‌مشهدی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۰۳). با تضمین این حقوق، حق امتیاز^۵ و حق بهره‌برداری از دارایی‌های فکری در اختیار فرد است و از هرگونه سوءاستفاده، تکثیر، تقلید و پخش بی‌اجازه جلوگیری می‌کند (نایب‌زاده، ۱۳۸۶: ۶۲). در کشورهایی که این حقوق تعریف نشده و یا به‌درستی اجرا نمی‌شود، محققان و پژوهشگران از ترس دزدیده شدن آثار خود، آن را در اختیار دیگران قرار نمی‌دهند. در صورت عدم نشر دانش، اطلاعات و نتایج پژوهش‌های علمی، علم و دانش رشد نکرده و نوآوری صورت نمی‌گیرد. زیرا دانش زمانی رشد می‌کند که افراد آنچه را آموخته‌اند به دیگران منتقل کنند تا این اطلاعات و نتایج بتواند زمینه انجام فعالیت‌های بعدی را فراهم سازد. هرچه اطلاعات موجود راحت‌تر در اختیار افراد قرار گیرد، موجب می‌شود سرمایه‌گذاران در تشخیص پروژه‌های خوب و بد توان‌تر شوند (Akcomak & Bas ter, 2008: 7). در نتیجه این فعالیت‌ها بیشتر و راحت‌تر انجام شده و زودتر به نتیجه می‌رسند و احتمال شکست آنها نیز به‌طرز چشمگیری کاهش می‌یابد. به همین دلیل فقدان حقوق مالکیت فکری به مرور منجر به کاهش فعالیت‌های علمی و پژوهشی در جوامع می‌شود. اما در جوامعی که اعتماد لازم وجود دارد، این اعتماد می‌تواند مکمل و یا حتی جایگزین این حقوق شود. سرمایه اجتماعی با اعتمادی که

1. Trust
2. Intangible
3. Intellectual Property Rights
4. World Intellectual Property Organization
5. Patent



میان افراد و پژوهشگران ایجاد می‌کند، رفتارها را قاعده‌مند و قابل پیش‌بینی می‌سازد. لذا در سایه چنین اعتمادی افراد به راحتی اطلاعات، دانش و دستاوردهای خود را در اختیار دیگران قرار می‌دهند. این تبادل اطلاعات و دانش موجب می‌شود که از انجام کارهای تکراری و از صرف وقت، هزینه و اتلاف منابع جلوگیری شود. در چنین فضایی افراد، منابع و وقت خود را صرف انجام کارهای پژوهشی جدید و ارائه نوآوری می‌کنند؛ که نتیجه آن تولید و پیشرفت دانش و تکنولوژی است. در نتیجه به دلیل فقدان یا ناکارآمدی حقوق مالکیت فکری، فرایند تولید، توزیع و استفاده از دانش با مشکل روبه‌رو نمی‌شود.

علاوه بر این، در بسیاری از مواقع کارآفرینان و نوآوران تنها دارای ایده و نوآوری هستند، اما سرمایه لازم برای سرمایه‌گذاری و به اجرا درآوردن ایده خود را ندارند. سرمایه اجتماعی با اعتمادی که به وجود می‌آورد، منجر به همکاری و مشارکت کارآفرینان با سرمایه‌گذاران می‌شود. این افراد می‌توانند با فرد یا بنگاهی که سرمایه لازم را در اختیار دارد، همکاری کرده و به ایده‌های خود جامه عمل بپوشانند. اما اگر سرمایه اجتماعی و اعتماد پایین باشد، مشارکتی صورت نمی‌گیرد؛ زیرا کارآفرینی که دارای ایده نو و نوآوری است، به دلیل ترس از ربنوده شدن نوآوری خود توسط فرد دوم که دارای منابع است، از طرح ایده خود سر باز می‌زند. در این حالت نوآوری‌ها و ابداعات تنها به صورت ایده‌های خوب باقی می‌مانند که هیچ‌گاه عملی نمی‌شوند.

۳-۲. مشارکت^۱

امروزه به علت سرعت بالای تغییرات و پیشرفت‌ها و تخصصی شدن امور از یک سو به ندرت یک فرد تمام اطلاعات و دانش لازم را در اختیار دارد، از سوی دیگر، دانش و توانایی که افراد کسب می‌کنند به تنهایی هیچ اثر و بازدهی نخواهد داشت؛ زیرا فعالیت افراد در جمع معنی پیدا می‌کند. به همین دلیل علم و دانش حالت منزوی و منفرد خود را از دست داده است. همکاری و مشارکت به جزء جدایی‌ناپذیر تولید و ارتقای دانش و تکنولوژی تبدیل شده است و برای پیشبرد آن

به همکاری همه افراد و متخصصان جامعه نیاز است؛ از این رو، با همکاری میان دانشمندان و محققان، آنان به تبادل دانش و اطلاعات خود می‌پردازند که این امر موجب می‌شود دانش افراد ارتقا پیدا کند، محدوده مهارت‌هایشان گسترش یابد، کیفیت کار آنها افزایش یابد و امکان انجام پروژه‌های بیشتر فراهم می‌شود. همچنین کارایی افراد نسبت به زمانی که به صورت انفرادی کار می‌کنند، بسیار بیشتر است، زیرا با صرف زمان کمتری افراد می‌توانند امور بیشتری را به انجام برسانند. تنها در چنین فضایی است که امکان خلق دانش و تکنولوژی‌های جدید و ارتقای آنها ایجاد می‌شود.

همچنین سرمایه اجتماعی موجب می‌شود که استعدادها و مهارت‌هایی که پراکنده و به صورت فردی در جامعه وجود دارد، به شکل جمعی برای رفع مشکل و معضلات موجود به کار گرفته شود. به طور کلی، سرمایه اجتماعی موجب می‌شود که نیروی انسانی موجود سازمان‌دهی شود، تعامل میان نیروهای انسانی را تسهیل کرده، افراد با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، مشارکت و همکاری کنند، به یکدیگر اعتماد کنند، برنامه‌ریزی کنند، تقسیم کار کنند و بنابراین بتوانند سرمایه‌های اقتصادی و انسانی موجود را به بهترین وجه ممکن برای تحقق اهداف‌شان به کار گیرند. به طور ساده‌تر اینکه، سرمایه اجتماعی با مشارکت و تعاملی که میان افراد ایجاد می‌کند بهره‌وری و کارایی سرمایه انسانی را به طرز چشمگیری افزایش می‌دهد.

علاوه بر موارد گفته شده، فعالیت‌های R&D که برای نوآوری و پیشرفت تکنولوژی بسیار ضروری هستند و اقتصادی پیش‌رونده و پویا را در عصر دانایی می‌سازند، بسیار هزینه‌بر هستند و در بیشتر مواقع یک بنگاه از عهده هزینه‌های سنگین آن بر نمی‌آید. اما با همکاری و مشارکت افراد و بنگاه‌ها می‌توان بر روی حجم بیشتری از این فعالیت‌ها سرمایه‌گذاری کرد و توان پیشرفت دانش و تکنولوژی بالا می‌رود. از سوی دیگر، در صورت شکست یک پروژه، زیان میان سرمایه‌گذاران تقسیم شده و یک بنگاه متحمل تمام ضرر و زیان و در نتیجه ورشکستگی نمی‌شود.

علاوه بر هزینه‌های بالا این فعالیت‌ها از ریسک بالایی نیز برخوردار بوده و نیازمند آمار و اطلاعات دقیقی هستند؛ از این رو، به کمک همکاری و ارتباطاتی که



بر مبنای اعتماد اجتماعی به وجود می‌آید، می‌توان منابع، اطلاعات و طرح‌ها را از نهادهای رسمی فراتر از جامعه و به‌طور مشخص حکومت به جامعه و نهادهای آن تسری داد (حسینی، ۱۳۸۴: ۲۲) و از این طریق اطلاعات مورد نیاز در اختیار محققان قرار می‌گیرد و نااطمینانی این فعالیت‌ها تا حدود زیادی پوشش داده شده و از ریسک این فعالیت‌ها کاسته می‌شود و موجب می‌شود افراد تمایل بیشتری به سرمایه‌گذاری در این فعالیت‌ها داشته باشند.

۴-۲. شبکه‌های اجتماعی^۱

ارتباطات و تعاملات بیشتر در قالب شبکه‌های اجتماعی به‌وقوع می‌پیوندند. لذا می‌توان گفت شبکه‌های اجتماعی در تولید و توزیع دانش نقش بسزایی ایفا می‌کنند. امروزه با ایجاد شبکه‌های علمی و پژوهشی می‌توان به پیشرفت دانش و تکنولوژی کمک کرد. افراد عضو این شبکه‌ها به‌دلیل داشتن اهداف و هنجارهای یکسان و با اعتمادی که به یکدیگر دارند به همکاری با یکدیگر پرداخته و همدیگر را یاری می‌کنند. همچنین با بحث و تبادل نظر از تجربه، مهارت‌ها، اطلاعات و دانش سایر اعضا در رشته‌های مختلف بهره می‌برند.

علاوه بر این، این شبکه‌ها (همانند NGO) به علت نداشتن قوانین رسمی و دست‌وپاگیر و بوروکراسی‌های ناکارآمد و همچنین همکاری بالا میان اعضا، بسیار سریع‌تر از دولت‌ها و دیوان‌سالاری‌ها حرکت کرده و می‌توانند تغییرات را سریع‌تر ایجاد کنند (تافلر، ۱۳۸۵: ۵۰۸). لذا برای همگانی شدن و ترویج اقتصاد دانایی محور این شبکه‌ها می‌توانند بسیار مفید واقع شده و دانش را در سطح خرد تولید و توزیع کنند و نحوه استفاده از تکنولوژی‌ها را بیاموزند.

با توجه به موارد گفته‌شده مشاهده می‌شود که سرمایه اجتماعی نقش مهمی در اقتصاد دانایی محور ایفا می‌کند. بر همین اساس می‌توان گفت، تمرکز یک‌بعدی بر مؤلفه‌های اقتصاد دانایی محور و غافل شدن از سرمایه اجتماعی و نادیده انگاشتن ویژگی اجتماعی چنین اقتصادی، موجب می‌شود که ایجاد این مؤلفه‌ها کامیابی در اقتصاد دانایی محور را برای ما به‌همراه نداشته باشد. لذا به‌منظور ایجاد چنین

اقتصادی، نیاز به ایجاد سرمایه اجتماعی است و این امر نیاز به یک برنامه‌ریزی دقیق و جامع دارد، تا در سایه آن بتوان به رشد و توسعه اقتصادی در عصر دانایی نائل آمد.

از آنجا که از برنامه چهارم توسعه، اقتصاد دانایی محور مورد توجه سیاستمداران کشور قرار گرفت؛ از این رو، در ادامه برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه کشور بررسی می‌شود تا مشخص شود به چه میزان به سرمایه اجتماعی مورد نیاز اقتصاد دانایی محور در تدوین این برنامه‌ها توجه شده است.

۳. واکاوی برنامه چهارم توسعه^۱

کشور ما به لحاظ اهداف ترسیم شده در سند چشم‌انداز باید در سال ۱۴۰۴ در جایگاه برتر علم و فناوری منطقه قرار گیرد. به همین منظور برنامه چهارم توسعه کشور، مبتنی بر دانایی تنظیم شده است. این برنامه نخستین برنامه دانایی محور کشور بوده است. لذا در ادامه به بررسی متن قانون این برنامه در مورد ایجاد مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مورد نیاز دانایی پرداخته می‌شود.

۳-۱. هنجارها

ماده ۴۸: اتخاذ تدابیر لازم برای اصلاح نظام آموزشی کشور به منظور ارتقای توانایی خلاقیت، نوآوری، خطرپذیری، کارآفرینی آموزش‌گیرندگان و ایجاد روحیه آموختن و پژوهش در میان نسل جوان.

۳-۲. اعتماد

ماده ۳۳: به روز کردن پایگاه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی و ارائه خدمات دستگاه‌های مربوطه در محیط رایانه‌ای و شبکه‌ای.

ماده ۴۴: به منظور استقرار جامعه اطلاعاتی و تضمین دسترسی گسترده امن و ارزان شهروندان به اطلاعات:

۱. حمایت از سرمایه‌گذاری در تولید و عرضه انواع اطلاعات به زبان فارسی در محیط رایانه‌ای با تکیه بر توان بخش خصوصی و تعاونی؛

۱. سند قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

۲. تهیه و تصویب سند راهبردی برقراری امنیت در فضای تولید و تبادل اطلاعات کشور در محیط‌های رایانه‌ای.

- ماده ۴۵:

۱. طراحی و استقرار کامل نظام جامع حقوق مالکیت معنوی، ملی و بین‌المللی و پیش‌بینی ساختارهای اجرایی لازم؛

۲. اتخاذ تدابیر لازم برای بیمه قراردادهای پژوهشی که براساس دستاوردها و نتایج یافته‌های پژوهشی داخلی انجام می‌گیرد؛

۳. حمایت از کلیه پژوهش‌های سفارشی از طریق پیش‌بینی اعتبار در بودجه سنواتی، مشروط به اینکه دست‌کم ۴۰ درصد از هزینه‌های آن را کارفرما تأمین کرده باشد.

- ماده ۹۸: تصویب سازوکارهای اجرایی لازم برای افزایش اعتماد عمومی، وفاق اجتماعی، قانون‌گرایی و وجدان فردی و اجتماعی.

- ماده ۱۱۹: آموزش عمومی و ترویج فرهنگ قانون‌مداری و نظم: در سایه قانون‌گرایی و اعتماد اجتماعی، اعتماد مورد نیاز برای فعالیت‌های پژوهشی و علمی نیز شکل می‌گیرد.

- ماده ۱۳۰: پایه‌گذاری و تضمین بنیادهای حقوق مالکیت خصوصی و معنوی در قلمرو قضایی.

در زمینه ایجاد اعتماد در فعالیت‌های علمی و پژوهشی می‌توان گفت در برنامه چهارم به حقوق مالکیت فکری، ایجاد امنیت در محیط‌های رایانه‌ای به‌منظور تبادل اطلاعات، ایجاد مراکز اطلاع‌رسانی و ایجاد بیمه قراردادهای پژوهشی توجه شده است.

۳-۳. ارتباطات و مشارکت اجتماعی

- ماده ۳۵: صدور مجوز برای ایجاد دانشگاه‌های خصوصی در مناطق آزاد تجاری-صنعتی به‌منظور گسترش ارتباطات علمی با مراکز و نهادهای آموزشی و تحقیقاتی معتبر بین‌المللی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری.

- ماده ۳۷: تقویت مشارکت تشکلی‌های قانونی غیردولتی-صنعتی-تخصصی

بخش های مختلف به منظور ارتقای سهم صادرات کالاها با فناوری پیشرفته (High-Tech) در صادرات غیرنفتی از ۲ درصد به ۶ درصد.

– ماده ۴۰:

۱. ایجاد مناطق ویژه صنایع مبتنی بر فناوری های برتر در کنار قطب های علمی-صنعتی کشور؛

۲. ایجاد مؤسسه های پژوهشی لازم برای توسعه فناوری های پیشرفته و جدید از طریق مشارکت شرکت ها و بنگاه های اقتصادی با مراکز پژوهشی (آموزش عالی) کشور.

– ماده ۴۵:

۱. اقدام برای اصلاح قوانین و مقررات و ایجاد تسهیلات لازم برای ارجاع کار و عقد قرارداد فعالیت های پژوهشی و فنی دولت با بخش خصوصی و تعاونی و حمایت از ورود بخش خصوصی و تعاونی به بازارهای بین المللی در قلمرو دانش و فناوری؛

۲. اتخاذ تدابیر و راهکارهای لازم جهت حمایت مالی مستقیم از مراکز و شرکت های کوچک و متوسط بخش خصوصی و تعاونی برای انجام تحقیقات توسعه ای که منجر به ابداع، اختراع و ارتقای محصولات و روش ها می شود.

– ماده ۴۶: توسعه همکاری های بین المللی در عرصه پژوهش و فناوری از طریق اصلاح و ساده سازی قوانین مربوطه.

– ماده ۴۷: به منظور ایجاد و توسعه شرکت های دانش بنیان و تقویت همکاری های بین المللی اجازه داده می شود واحدهای پژوهشی و فناوری مستقر در پارک های علم و فناوری از مزایای قانونی مناطق آزاد در مورد روابط کار، معافیت های مالیاتی، سرمایه گذاری خارجی برخوردار شوند.

– ماده ۴۸:

۱. زمینه سازی و انجام حمایت های لازم برای ایجاد شرکت های غیردولتی توسعه فناوری با مأموریت تولید، انتقال و جذب فناوری.

۲. تدوین ضوابط و حمایت های لازم در راستای تشویق طرف های خارجی قرارداد های بین المللی و سرمایه گذاری خارجی برای انتقال بخشی از فعالیت های

تحقیق و توسعه مربوط به داخل کشور و انجام آن با مشارکت شرکت‌های داخلی.
- ماده ۷۵:

۱. به منظور برقراری تسهیلات لازم برای دسترسی به ارتباطات گسترده و گسترش فرصت‌های نوین خدمات و رشد برای احاد جامعه و خانواده‌ها، مؤسسه‌ها و شرکت‌ها، شبکه‌ای شدن قلمروها، برپایی اقتصاد شبکه‌ای در زمینه ارتقای ضریب نفوذ ارتباطات ثابت، سیار و اینترنت کشور حداقل به ترتیب ۵۰ درصد و ۳۵ درصد و ۳۰ درصد.

۲. تأمین و تضمین ارائه خدمات پایه ارتباطی و فناوری اطلاعات در سراسر کشور. گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، ارتباطات میان افراد را گسترش می‌دهد.

- ماده ۱۱۰: فراهم‌سازی شرایط لازم برای تبادل آرا و نظرهای متفکران، دانشمندان، هنرمندان و نهادهای علمی، فرهنگی و مدنی.

- ماده ۱۷۲: توسعه و تقویت روش‌ها و زمینه‌های ارتباط و مراوده با ایرانیان مقیم خارج از کشور به منظور بهره‌گیری از سرمایه‌های مادی، معنوی و علمی آنان. در برنامه چهارم، گسترش ارتباطات علمی، مشارکت تشکلهای غیردولتی در بخش‌های High-Tech، مشارکت بنگاه‌های اقتصادی با مراکز پژوهشی و دانشگاه‌ها، مشارکت دولت با بخش خصوصی در فعالیتهای پژوهشی، تبادل آرای متفکران و محققان و همکاری‌های بین‌المللی در زمینه فناوری در نظر گرفته شده است.

۳-۴. شبکه‌های اجتماعی

- ماده ۴۶: ایجاد شبکه‌های واحدهای پژوهش و فناوری همگن.

تنها در قالب یک ماده به ایجاد شبکه‌های پژوهشی پرداخته شده است که جامع نیست. زیرا حضور بخش خصوصی، همکاری دولت و بخش خصوصی در ایجاد این شبکه‌ها و حمایت‌های دولت در ایجاد و گسترش این شبکه‌ها مطرح نشده است.

با بررسی متن این برنامه می‌توان گفت، به ایجاد هنجارهای علم‌گرایی توجه شده است؛ اما نحوه ایجاد این هنجارها از طریق نظام آموزشی و چگونگی اصلاح

هر سطح از سطوح آموزشی مطرح نشده است. در مورد ایجاد اعتماد مورد نیاز فعالیت‌های پژوهشی و مشارکت نیز می‌توان گفت، به صورت کامل در نظر گرفته شده‌اند. اما در زمینه ایجاد شبکه و تقویت شبکه‌های پژوهشی کاستی‌هایی وجود دارد.

۴. ارزیابی عملکرد برنامه چهارم

- ارزیابی عملکرد برنامه چهارم حاکی از آن است که با وجود تدوین ماده ۳۳ و ۴۴، ارتباطات علمی در ایران در سطح نازلی قرار دارد و به دلیل نبود اعتماد میان افراد، محققان و پژوهشگران تا زمان انتشار، مقاله‌های خود آن را در اختیار همکاران خود قرار نمی‌دهند که نشان‌دهنده عدم ایجاد اعتماد لازم در فعالیت‌های علمی است (معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۹).

- تا سال ۱۳۸۶ زمینه مشارکت تشکل‌های قانونی غیردولتی بخش‌های مختلف که در ماده ۳۷ ذکر شده، فراهم نشده است (گزارش اقتصادی شماره ۲۲۰ مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۶: ۹).

- ماده ۴۴ در برنامه چهارم اجرا نشد؛ زیرا سازوکار بودجه‌ای مناسب برای اجرای این ماده در نظر گرفته نشده است (گزارش اقتصادی شماره ۲۸۰ مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۸: ۲۲).

- ماده ۴۵ برای تدوین ضوابط و خط‌مشی حقوق مالکیت فکری در مؤسسه‌های علمی و پژوهشی و ابلاغ آن برای تصویب در هیئت‌های امنای مؤسسه‌ها انجام شد (گزارش اقتصادی شماره ۲۸۰ مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۸: ۲۴).

- تعداد شبکه‌های پژوهشی و فناوری (ماده ۴۶) به ترتیب طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ تعداد ۳، ۷، ۱۲ و ۱۸ بوده است. واحدهای پژوهشی غیردولتی که مورد حمایت قرار گرفته در طول سال‌های مذکور به ترتیب ۲۰، ۱۵، ۱۳ و ۱۲ است که تعداد آنها از رشد نزولی برخوردار بوده است (معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۹). تعداد شبکه‌های ایجادشده

طی این سال‌ها روبه‌رشد بوده است، اما همچنان میزان این شبکه‌ها این بسیار پایین است.

- اجرای ماده ۱۱۰، مبنی بر ایجاد ارتباطات علمی و تبادل نظر تا سال ۱۳۸۶ صورت نگرفته است و تنها مراحل بررسی را در هیئت وزیران طی کرده است (گزارش اقتصادی شماره ۲۷۰ مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۸: ۱۵).

۵. واکاوی برنامه پنجم توسعه^۱

در برنامه پنجم توسعه کشور نیز همچنان دستیابی به اقتصاد دانایی‌محور مدنظر بوده و در بخش دوم این برنامه به مؤلفه‌های اقتصاد دانایی‌محور پرداخته شده است. در این قسمت با بررسی متن قانون برنامه پنجم بیان می‌شود که در چه موادی به مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مورد نیاز دانایی توجه شده است.

۵-۱. هنجارها

- ماده ۳: تقویت روحیه کار جمعی، خودباوری و ابتکار؛
- ماده ۱۸: فرهنگ‌سازی به‌منظور حمایت از نخبگان و نوآوران علمی و فناوری؛

در این برنامه ایجاد و ترویج هنجارهایی چون ایجاد روحیه خلاقیت، جسارت و کنجکاوی به‌منظور ظهور کارآفرینان، ایجاد روحیه علم‌جویی، پژوهشی و کسب دانش به‌منظور افزایش دانش و مهارت افراد و استفاده از تکنولوژی‌های مدرن، به‌صورت جامع مطرح نشده است. همچنین این موضوع که چگونه هنجارهای مطرح شده در دو ماده بالا باید ایجاد شوند (مثلاً اصلاح نظام آموزشی) بیان نشده است.

۵-۲. اعتماد

- ماده ۳: تقویت قانون‌گرایی و انضباط اجتماعی. پایبند بودن افراد به قانون منجر به افزایش اعتماد اجتماعی در جامعه می‌شود؛ در سایه چنین اعتمادی، می‌توان این امید را داشت که در حوزه‌های پژوهشی و علمی نیز افراد تا حدودی قوانین مربوطه

۱. سند قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

را رعایت می‌کنند.

- ماده ۱۰ و ۱۸: رفع دغدغه خطرپذیری مالی در مراحل پژوهشی و آزمایشی نوآوری‌ها به منظور حمایت از نخبگان و نوآوران علم و فناوری. با اعمال چنین سیاستی اعتماد لازم برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های پژوهشی و نوآوری به وجود می‌آید.

- ماده ۱۸: گسترش حمایت از نوآوران و محققان، این اطمینان را به محققان می‌دهد که دستاوردهای آنان به هدر نمی‌رود.

۱. حمایت از تجاری‌سازی دستاوردهای نوآوران؛

۲. ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب برای نخبگان و استعدادها برتر متناسب با تخصص و توانمندی‌های آنان با حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر برای تبدیل دانش فنی به محصول قابل ارائه.

- ماده ۲۰: تمهیدات لازم برای دسترسی به بانک‌های اطلاعاتی علمی معتبر

- ماده ۴۴: ایجاد سامانه یکپارچه نرم‌افزار اطلاعاتی، ارتقای سطح حفاظت از اطلاعات رایانه‌ای، توسعه علوم و فناوری‌های مرتبط با حفظ امنیت سامانه‌های اطلاعاتی و ارتباطی به منظور صیانت از فضای تبادل اطلاعات.

- ماده ۴۶:

۱. وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات موظف است نسبت به ایجاد و توسعه شبکه ملی اطلاعات و مراکز داده داخلی امن و پایدار با پهنای باند مناسب اقدام کند.

۲. کلیه دستگاه‌های اجرایی مکلفند نسبت به تبادل و اشتراک‌گذاری رایگان اطلاعات اقدام کنند.

۳. دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی، پژوهشی و فناوری موظفند ضمن اتصال به شبکه اطلاعات ملی، محتوا علمی و امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری خود را با حفظ مالکیت معنوی بر روی این شبکه قرار دهند.

- ماده ۲۳۱: وزارت اطلاعات با همکاری وزارت ارتباطات و اطلاعات موظف است استانداردهای لازم برای امنیت فضای تبادل اطلاعات را در شش ماهه اول برنامه تدوین کند.

همان‌گونه که در مواد بالا مشاهده می‌شود، ایجاد امنیت در محیط اینترنت به منظور تبادل اطلاعات در نظر گرفته شده است، اما حقوق مالکیت فکری (که لازمه اقتصاد دانایی‌محور است) در این برنامه مطرح نشده است.

۳-۵. ارتباطات و مشارکت

- ماده ۷:

۱. ارتباط مؤثر بین دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی با صنعت و بخش‌های مربوط جامعه؛

۲. توانمندسازی بخش غیردولتی برای مشارکت در تولید علم و فناوری.

- ماده ۱۶:

۱. تسهیل ارتباط دانشگاه‌ها با دستگاه‌های اجرایی از جمله صنعت؛

۲. ایجاد هماهنگی بین نهادها و سازمان‌های پژوهشی کشور؛

۳. گسترش ارتباطات علمی با مراکز و نهادهای آموزشی و تحقیقاتی معتبر بین‌المللی از طریق راه‌اندازی دانشگاه‌های مشترک، برگزاری دوره‌های آموزشی مشترک، اجرای مشترک طرح‌های پژوهشی و تبادل استاد و دانشجو با کشورهای دیگر.

- ماده ۱۷: به منظور حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و توسعه فناوری:

۱. حمایت مالی از پژوهش‌های تقاضامحور مشترک با دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی، پژوهشی و فناوری؛

۲. حمایت از راه‌اندازی مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری از طریق بخش غیردولتی. این سیاست منجر به مشارکت بخش خصوصی در فناوری و فعالیت‌های دانش‌محور می‌شود.

۳. حمایت‌های قانونی لازم در راستای تشویق طرف‌های خارجی قراردادهای بین‌المللی و سرمایه‌گذاری خارجی برای انتقال دانش فنی و بخشی از فعالیت‌های تحقیق و توسعه مربوط به داخل کشور و انجام آن با مشارکت شرکت‌های داخلی.

۴. اعضای هیئت علمی می‌توانند با موافقت هیئت امناء، نسبت به تشکیل مؤسسه‌ها و شرکت‌های ۱۰۰ درصد خصوصی دانش‌بنیان اقدام و یا در این

مؤسسات مشارکت کنند.

– ماده ۱۸:

۱. ایجاد سازوکار مناسب برای افزایش سهم مشارکت انجمن‌های علمی، نخبگان و استعدادهای برتر در تصمیم‌سازی‌ها و مدیریت کشور؛
 ۲. ایجاد سازوکار لازم برای مشارکت انجمن‌های علمی، نخبگان و دانشمندان کشور در همایش‌ها و کنفرانس‌های ملی و پژوهشی بین‌المللی؛
- ماده ۳۰: گسترش همکاری همه‌جانبه با کشورهای منطقه جنوب غربی آسیا در تجارت و فناوری.

– ماده ۴۶: حمایت از بخش‌های غیردولتی و تعاونی در صنعت فناوری اطلاعات کشور؛ به‌ویژه بخش نرم‌افزاری و امنیت باید به‌گونه‌ای سامان‌دهی شود که سهم این صنعت در تولید ناخالص داخلی در سال آخر برنامه به ۲ درصد برسد.

– ماده ۸۰: حمایت مالی از بخش‌های غیردولتی به‌منظور توسعه و گسترش کارآفرینی؛

– ماده ۱۱۲: به‌منظور گسترش ارتباطات علمی با مراکز و نهادهای آموزشی و تحقیقاتی معتبر بین‌المللی ایجاد نمایندگی دانشگاه‌های داخلی و معتبر خارجی در مناطق آزاد تجاری-صنعتی.

– ماده ۱۵۰: گسترش همکاری صنعت و دانشگاه، تعمیق تعامل صنایع با شهرک‌های فناوری و پارک علم و فناوری.

در این برنامه به مشارکت شرکت‌های داخلی با شرکت‌های خارجی به‌منظور انتقال دانش فنی و فعالیت‌های R&D، افزایش سهم مشارکت انجمن‌های علمی نخبگان و استعدادهای برتر در تصمیم‌سازی‌ها و مدیریت کشور، گسترش همکاری صنعت با دانشگاه و مراکز پژوهشی، ایجاد همکاری میان نهادهای پژوهشی و مشارکت بخش خصوصی در فعالیت‌های علمی اشاره شده است.

۴-۵. شبکه‌های اجتماعی

– ماده ۲۰: حمایت مالی از انجمن‌های علمی.

در برنامه پنجم توسعه به ایجاد شرایط لازم برای تشکیل شبکه‌های اجتماعی



علمی و پژوهشی توسط بخش خصوصی و حتی دولت (برای حضور بخش خصوصی) توجه چندانی نشده است.

در کل می‌توان گفت در برنامه پنجم توسعه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مورد نیاز اقتصاد دانایی‌محور به‌طور جامع مطرح نشده است و در مؤلفه‌هایی چون هنجارهای علم‌گرایی و شبکه‌های اجتماعی علمی و پژوهشی شاهد کاستی‌های شدیدی هستیم. در ایجاد اعتماد نیز به حقوق مالکیت فکری به‌عنوان قانون‌کلیدی اقتصاد دانایی‌محور توجه نشده و تنها مؤلفه مشارکت به‌صورت کامل در این برنامه بیان شده است.

۶. رهیافت برنامه ششم توسعه

با توجه به کاستی‌های متن قانون برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه و به‌منظور برقراری و دستیابی به اقتصادی دانایی‌محور باید در تدوین برنامه ششم به‌منظور پیشرفت و دستیابی به اقتصاد دانایی‌محور تمام مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (هنجارها، تعاملات، مشارکت و شبکه‌های غیررسمی) مورد نیاز دانایی و زیربخش‌های آن به‌صورت جامع گنجانده شود. اهمیت دولت در این زمینه به اندازه‌ای است که تا زمانی که دولت، اقدامی در راستای اصلاح عملکرد خود و سرمایه‌گذاری در جهت ترمیم و بازسازی سرمایه اجتماعی مورد نیاز دانایی انجام ندهد، این سرمایه ایجاد نخواهد شد. دولت می‌تواند به شیوه‌های زیر سرمایه اجتماعی مورد نیاز دانایی را ایجاد کند؛ لذا موارد زیر می‌تواند در برنامه ششم لحاظ شود:

۶-۱. ایجاد نظام جامع آموزشی و اصلاح آن

- دولت با اصلاح دوره‌های ابتدایی می‌تواند هنجارهای علم‌گرایی و... را در افراد پیروان و با ادامه چنین تربیتی تا دوران آموزش عالی این هنجارها در افراد نهادینه می‌شود.

- باید دروس دوره ابتدایی به‌نحوی اصلاح شود که خلاقیت و ارائه نوآوری را در افراد پرورش داده و استعدادها بالقوه آنها بالفعل شود.

- دولت با ایجاد فضای مناسب می‌تواند شرایط لازم برای ارتباط مراکز آموزش

عالی کشور با مراکز بین‌المللی را فراهم سازد تا این مراکز بتوانند از دانش روز جهانی بهره گیرند و آن را به نیروی انسانی آموزش دهند.

- نظام آموزشی باید به گونه‌ای اصلاح شود که با خلق سرمایه‌های انسانی مورد نیاز، امکان شکل‌گیری شبکه‌های علمی و پژوهشی را فراهم سازد تا در قالب این شبکه‌ها افراد به تولید دانش و مبادله اطلاعات می‌پردازند که منجر به پیشرفت دانش و تکنولوژی می‌شود. همچنین توانایی لازم برای مشارکت اجتماعی و حضور آنان در جامعه را به وجود می‌آورد.

- افزایش ارتباطات دانشگاه‌ها با سایر مراکز پژوهشی خارجی به منظور کسب دانش روز و ارتقای دانش نیروی انسانی؛ تا بتوان تکنولوژی‌های جدید را در تولید به کار برد.

۲-۶. تدوین قوانین و نظارت بر حسن اجرای آن

- دولت با ایجاد قانون حقوق مالکیت فکری و نظارت بر حسن اجرای آن می‌تواند تبادل اطلاعات و دانش میان پژوهشگران و محققان را تسهیل کند. زمانی که افراد قانون حقوق مالکیت فکری را عادلانه بپندارند و این اطمینان در افراد به وجود آید که این قانون به درستی اجرا می‌شود و افراد می‌توانند در سایه این قانون حقوق خود را استیفا کنند، اعتماد آنان افزایش پیدا می‌کند و در سایه چنین اعتمادی به نشر اطلاعات خود می‌پردازند.

- دولت با ایجاد قوانینی چون قانون جلوگیری از شکل‌گیری انحصارات می‌تواند از شکل‌گیری انحصارات در بخش‌های دانش‌بنیان جلوگیری کند تا دانش و تکنولوژی بتواند در قالب رقابت میان بنگاه‌ها پیشرفت کند. هرچه رقابت در جامعه افزایش یابد، بنگاه‌های دانش‌بنیان به منظور افزایش قدرت رقابتی خود سعی در بهبود تکنولوژی، دانش و نوآوری‌های خود خواهند داشت. از این رو، به مشارکت با افراد ماهر و متخصص روی می‌آورند تا از دانش و مهارت آنان بهره‌برند.

۳-۶. سرمایه‌گذاری در بخش‌های دانش‌محور

- دولت با انجام سرمایه‌گذاری‌های لازم در بخش‌های دانش‌بنیان و ایجاد این بخش‌ها می‌تواند زمینه حضور و مشارکت افراد و بخش خصوصی را در این

بخش‌ها فراهم سازد.

- دولت می‌تواند از طریق سیاست‌هایی نظیر معافیت‌های مالیاتی، پرداخت یارانه به طرح‌های پژوهشی، تحقیقاتی، فعالیت‌های نوآورانه و R&D و از طریق انگیزش‌ها و تشویق‌های مالی، انگیزه و بستر لازم را برای حضور بخش خصوصی و مشارکت آنها در این فعالیت‌ها فراهم سازد.

۴-۶. سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های R&D

- دولت می‌تواند با ایجاد فضایی امن و تأمین امنیت سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های R&D، زمینه حضور و مشارکت افراد و بنگاه‌های خارجی را در این فعالیت‌ها فراهم سازد.

- دولت می‌تواند کمک‌های مالی لازم را برای انجام فعالیت‌های R&D به بخش خصوصی انجام دهد. همچنین می‌تواند تجهیزات و وسایل لازم را برای مشارکت آنان در این فعالیت‌ها فراهم کند.

- دولت می‌تواند قانونی وضع کند که بخشی از درآمد مؤسسه‌های دولتی و غیردولتی صرف انجام فعالیت‌های R&D شود؛ تا از این طریق مؤسسه‌های بیشتری در این فعالیت‌ها مشارکت داشته باشند.

- در پروژه‌هایی که سرمایه زیادی می‌طلبند، دولت می‌تواند با بخش خصوصی مشارکت کند.

- ایجاد بسترهای لازم برای سرمایه‌گذاری مشترک دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی با صنایع در پروژه‌های علمی و پژوهشی؛ که این امر منجر به ارائه نوآوری و تولید محصولات و تکنولوژی‌های جدید می‌شود.

- ایجاد شرایط لازم برای مشارکت دانشگاه‌ها با بنگاه‌ها و صنایع به‌منظور استفاده صنایع از نتایج حاصل از فعالیت‌های تحقیق و توسعه دانشگاه‌ها.

۵-۶. ایجاد شبکه‌های اجتماعی علمی و پژوهشی

- دولت از یک سو می‌تواند به‌صورت مستقیم شبکه‌های اجتماعی علمی و پژوهشی و همچنین پارک‌های علم و فناوری را در سطح جامعه بنا کند و از سوی دیگر با ساده‌سازی قوانین و ایجاد شرایط لازم زمینه را برای ایجاد چنین شبکه‌هایی فراهم

سازد تا در سایه آن ارتباطات و مشارکت افزایش می‌یابد. از این طریق بُعد ساختاری سرمایه اجتماعی مورد نیاز اقتصاد دانایی محور فراهم می‌شود. - ایجاد هماهنگی میان شبکه‌های علمی موجود؛ تا از این طریق مشارکت و همکاری متقابل میان آنها صورت پذیرد و کارایی این شبکه‌ها افزایش یابد.

۶-۶. ایجاد نظام جامع اطلاعاتی

- هرچه آمار و اطلاعات راحت‌تر در اختیار افراد قرار گیرد، افراد می‌توانند اطلاعات لازم را درباره شریک خود به‌دست آورند و با اعتماد بیشتری به مشارکت با آنان بپردازند؛ در نتیجه سرمایه‌گذاران با مشارکت با یکدیگر می‌توانند شرکت‌های دانش‌بنیان را راه‌اندازی کنند.

- در صورت دسترسی افراد به آمار و اطلاعات، ریسک فعالیت‌های R&D تا حدود زیادی پوشش داده می‌شود و افراد با اعتماد بیشتری اقدام به انجام این فعالیت‌ها می‌کنند و می‌توانند پروژه‌های درست را تشخیص دهند.

- دولت می‌تواند با برقراری و ایجاد سیستم‌ها و بانک‌های اطلاعاتی مناسب و رایگان، آمار و اطلاعات لازم برای پیشبرد دانش و تولید تکنولوژی‌ها و محصولات جدید را در اختیار دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی، محققان و پژوهشگران قرار دهد.

۶-۷. برقراری ثبات سیاسی و اقتصادی

- دولت می‌تواند با یک برنامه‌ریزی دقیق و سیاست‌های مناسب از بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی جلوگیری کند. با برقراری چنین ثباتی اعتماد لازم به‌وجود می‌آید و مردم برای به‌ثمر رسیدن سیاست‌های اقتصادی، نظیر سیاست‌های دانایی‌محور، دولت را یاری می‌دهند.

- با برقراری امنیت و ثبات اقتصادی، نااطمینانی از بین می‌رود و اعتماد اجتماعی افزایش یافته و محیط مناسب برای حضور و رشد بخش خصوصی و کارآفرینان در عرصه تولید و فعالیت در بخش‌های دانش‌پایه فراهم می‌شود.

۶-۸. ایجاد زیرساخت‌های ICT

- دولت با ایجاد زیرساخت‌های ICT سبب می‌شود ارتباط افراد گسترده‌تر شده و

افراد سریع‌تر و راحت‌تر با یکدیگر ارتباط برقرار سازند. در سایه این تعاملات و ارتباطات، افراد می‌توانند به نشر و تبادل اطلاعات بپردازند. در نتیجه آگاهی و دانش افراد افزایش می‌یابد.

با توجه به موارد گفته‌شده در مورد نقش دولت، می‌توان مواردی را در بخش علم و فناوری در برنامه ششم در نظر گرفت که منجر به ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی مورد نیاز اقتصاد دانایی‌محور می‌شود:

۱. فرهنگ

- اصلاح دروس دوره ابتدایی و متوسطه به منظور ترویج علم‌گرایی، کنجکاوی، روحیه آموختن و پژوهش، خطرپذیری و ایجاد شرایط لازم برای بروز خلاقیت و نوآوری افراد؛

- افزایش انجام کارهای گروهی در دوره‌های آموزشی.

۲. توسعه دانش بومی

- افزایش ارتباط سطوح عالی کشور با سایر مراکز عالی بین‌المللی به منظور بهره‌مندی از دانش روز جهانی و انتقال آن به دانشجویان تا آنان بتوانند در فعالیت‌های پژوهشی جدیدتری مشارکت کنند؛

- ایجاد شبکه‌های پژوهشی معتبر در داخل دانشگاه‌ها به منظور ارتقای دانش افراد و افزایش مشارکت آنان در فعالیت‌های پژوهشی؛

۳. رشد بنگاه‌های دانش‌بنیان

- جلوگیری از شکل‌گیری انحصارات در بخش‌های دانش‌محور و افزایش رقابت در این بخش‌ها، زمینه مشارکت بخش خصوصی در این فعالیت‌ها را فراهم می‌کند؛

- اجرای سیاست‌های نظیر معافیت‌های مالیاتی، پرداخت یارانه و وام‌های بلندمدت به منظور ورود بخش خصوصی به فعالیت‌های دانش‌محور؛

- ارتباط مراکز پژوهشی با صنایع تا با استفاده از دستاوردهای این مراکز صنایع بتوانند با بهره‌گیری از دانش و فناوری‌های نوین نیازهای روز را پاسخ دهند.

۴. ارتقای ظرفیت علمی

- تخصیص بخشی از درآمد مؤسسه‌های دولتی به سرمایه‌گذاری در

فعالیت‌های R&D:

- تأمین بخشی از هزینه‌های پروژه‌های R&D که توسط بخش خصوصی انجام می‌گیرد.

- وضع و اجرای درست حقوق مالکیت فکری به منظور ایجاد فضایی ایمن برای مشارکت و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در فعالیت‌های R&D;

- ساده‌سازی قوانین مربوط به شبکه‌های اجتماعی علمی و پژوهشی به منظور ایجاد این شبکه‌ها توسط بخش خصوصی؛

- ایجاد و تقویت زیرساخت‌های ICT، افزایش سرعت و پهنای باند اینترنت به منظور استفاده از دانش جهانی؛

- ایجاد فضای رایانه‌ای ایمن برای افزایش ارتباطات علمی و تبادل اطلاعات؛

- ایجاد پیوند مناسب میان شبکه‌های علمی و پژوهشی موجود؛

- تشکیل شبکه‌های غیردولتی در راستای توسعه فعالیت‌های کارآفرینی و ارائه نوآوری‌ها.

۵. رشد آگاهی جامعه

- ایجاد بانک‌های اطلاعاتی جدید تا اطلاعات رایگان و راحت در اختیار محققان و پژوهشگران قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

از ابتدای دهه ۱۹۹۰ سرمایه اجتماعی عامل اصلی رشد و توسعه اقتصادی به‌شمار می‌آید. سرمایه اجتماعی از طریق ایجاد اعتماد، مشارکت (در قالب شبکه‌های اجتماعی)، روابط و تعاملاتی که میان اعضای جامعه ایجاد می‌کند، قدرت و انسجام اجتماعی را به وجود می‌آورد.

یکی دیگر از موضوعات مطرح شده در نظریه‌های توسعه اقتصادی از قرن بیستم، اقتصاد دانایی محور بوده است، که محوریت آن دانش، اطلاعات و تکنولوژی است. برای دستیابی به چنین اقتصادی نیاز به ایجاد پیش‌نیازهای آن است که در این میان سرمایه اجتماعی یکی از کلیدی‌ترین پیش‌نیازها محسوب می‌شود. سرمایه اجتماعی با اعتماد، مشارکت و ارتباطاتی که میان محققان به وجود می‌آورد، فرایند



تولید، توزیع و کاربرد دانش را شکل می‌دهد.

به دلیل اهمیت بالای سرمایه اجتماعی در ایجاد اقتصاد دانایی محور نیاز به یک برنامه جامع و دقیق است. در زمینه سرمایه اجتماعی مورد نیاز اقتصاد دانایی محور در برنامه چهارم، مواردی که منجر به ایجاد اعتماد می‌شود نظیر حقوق مالکیت فکری، برقراری امنیت در فضای رایانه‌ای، ایجاد مراکز اطلاع‌رسانی در نظر گرفته شده است. در حوزه مشارکت نیز مشارکت دولت با بخش خصوصی در فعالیت‌های پژوهشی، تبادل آراء، مشارکت تشکلهای غیردولتی در بخش‌های با فناوری بالا و همکاری‌های بین‌المللی در R&D مطرح شده است. اما هنجارها و شبکه‌های اجتماعی پژوهشی به‌طور دقیق مطرح نشده‌اند.

در بحث مربوط به سرمایه اجتماعی مورد نیاز اقتصاد دانایی محور در برنامه پنجم، هنجارهای ترویج‌دهنده علم‌گرایی، روحیه کارآفرینی و دانش‌محوری به‌صورت کامل مطرح نشده و تنها یک یا دو مورد بیان شده است؛ که درباره آن دو مورد نیز کانال‌هایی که از طریق آنها باید این هنجارها را به‌وجود آورد، بیان نشده است. در زمینه اعتماد مورد نیاز پژوهش نیز حفاظت از اطلاعات و امنیت در محیط‌های اینترنت و ایجاد بانک‌های اطلاعاتی مطرح شد، اما نامی از حقوق مالکیت فکری برده نشده است. در مورد شبکه‌های علمی، تنها یک ماده به این امر پرداخته که جامع و کامل نبوده است. اما درباره مواد مرتبط با مشارکت می‌توان گفت، به‌صورت کامل تدوین شده است؛ در این مواد ارتباطات علمی، ارتباط صنعت با دانشگاه، ارتباط نهادهای پژوهشی با یکدیگر، مشارکت بخش خصوصی در فعالیت‌های علمی و همکاری با نهادهای خارجی برای انجام فعالیت‌های R&D در نظر گرفته شده است.

با توجه به کانال‌های اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر اقتصاد دانایی محور و همچنین به‌منظور دستیابی به توسعه مبتنی بر دانایی و رسیدن به جایگاه برتر علم و فناوری در منطقه، مشاهده می‌شود که مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مورد نیاز دانایی در برنامه‌های چهارم و پنجم لحاظ شده‌اند؛ که می‌توان به اهمیت این موضوع پی برد.

دولت به‌عنوان مهم‌ترین نهاد رسمی، نقشی کلیدی در ایجاد سرمایه اجتماعی

مورد نیاز اقتصاد دانایی محور دارد. در پاسخ به پرسش پژوهش (در تدوین برنامه ششم توسعه، برای ایجاد سرمایه اجتماعی مورد نیاز اقتصاد دانایی محور چه رهیافتی باید اعمال شود) می توان گفت، با تدوین موادی در برنامه ششم توسعه، نظیر ایجاد و اصلاح نظام آموزشی، تدوین قوانین و نظارت بر حسن اجرای آنها، سرمایه گذاری در فعالیت های دانش محور، ایجاد شبکه های پژوهشی، ایجاد نظام جامع اطلاعاتی، برقراری ثبات سیاسی و اقتصادی و ایجاد زیرساخت های ICT دولت می تواند سرمایه اجتماعی مورد نیاز اقتصاد دانایی محور را در جامعه ایجاد کند.

منابع

الف - فارسی

- ازکیا، مصطفی و کریم حسینی‌راد. ۱۳۸۸. «نقش اعتماد اجتماعی در مشارکت مردم در طرح‌های توسعه روستایی»، *پژوهشنامه علوم اجتماعی*، شماره ۱.
- اموری، تاکاشی. ۱۳۸۲. «اثرات اقتصادی سرمایه اجتماعی»، ترجمه محمدرضا توکل‌نیا، *فصلنامه اندیشه صادق*، شماره ۱۱ و ۱۲.
- امیری، میثم و تیمور رحمانی. ۱۳۸۵. «بررسی آثار سرمایه اجتماعی درون و برون‌گروهی بر رشد اقتصادی استان‌های ایران»، *دوفصلنامه جستارهای اقتصادی*، شماره ۶.
- بل، دانیل. ۱۳۸۲. *آینده تکنولوژی*، ترجمه احد علیقلیان، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- بهبودی، داود و بهزاد امیری. ۱۳۸۹. «رابطه بلندمدت اقتصاد دانش‌بنیان و رشد اقتصادی در ایران»، *فصلنامه سیاست علم و فناوری*، شماره ۴.
- حسینی، سید امیرحسین. ۱۳۸۴. «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و سهم استان در تولید ناخالص داخلی برای سال ۱۳۷۹»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه مازندران.
- خداپرست‌مشهدی، مهدی؛ صمدی، سارا، هوشمند، محمود و مصطفی سلیمی‌فر. ۱۳۸۸. «تأثیر حمایت از تأمین حقوق مالکیت فکری بر رشد اقتصادی»، *فصلنامه اقتصاد مقداری*، شماره ۴.
- دفتر مطالعات اقتصادی. ۱۳۹۱. *گزارشات اقتصادی سال‌های ۱۶-۱۹*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس.
- رحمانی، تیمور؛ عباسی‌نژاد، حسین و میثم امیری. ۱۳۸۶. «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران؛ مطالعه موردی استان‌های کشور با روش اقتصادسنجی فضایی»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، شماره ۲.
- رحیمی، محسن؛ سلیمی، مجید و محسن کشاورز. ۱۳۸۹. «نقش مراکز تحقیق و توسعه (R&D) در نظام نوآوری»، *نشریه صنعت و دانشگاه*، شماره ۷ و ۸.
- سوری، علی. ۱۳۸۴. «سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی»، *فصلنامه تحقیقات اقتصادی*، شماره ۶۹.
- شمسی، زهرا. ۱۳۸۵. «الزامات نهادی توسعه مبتنی بر دانایی و میزان رعایت آنها در قانون

برنامه چهارم توسعه، «پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی. عسگری، محمدمهدی و ابوالقاسم توحیدی‌نیا. ۱۳۸۶. «تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد و توسعه اقتصادی»، *دوفصلنامه جستارهای اقتصادی*، شماره ۸. علائی، سوسن. ۱۳۹۰. «نقش فرهنگ کارآفرینی در توسعه کارآفرینی»، *فصلنامه پژوهش‌های مدیریت راهبردی*، شماره ۴۸. علمی، زهرا؛ شارع‌پور، محمود و امیرحسین حسینی. ۱۳۸۷. «سرمایه اجتماعی و چگونگی تأثیر آن بر اقتصاد»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۷۱. محمودزاده، محمود و رضا محسنی. ۱۳۸۴. «بررسی تأثیر تکنولوژی‌های وارداتی بر رشد اقتصادی در ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، شماره ۱۶. مشیری، سعید و اسفندیار جهانگیر. ۱۳۸۳. «فناوری اطلاعات و ارتباطات و رشد اقتصادی ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، شماره ۱۹. معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، *سند قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی*. معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، *سند قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی*. معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، *گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۹*. مؤمنی، فرشاد. ۱۳۸۹. «چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه اجتماعی در عصر دانایی»، *فصلنامه اقتصاد و جامعه*، شماره ۲۳ و ۲۴. نایب‌زاده، شهناز. ۱۳۸۶. «حقوق مالکیت معنوی و انتقال فناوری»، *ماهنامه تدبیر*، شماره ۱۸۰. یوسف‌پور، قربان. ۱۳۷۹. «موانع انتقال تکنولوژی در جهان سوم»، *فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۱۵۳ و ۱۵۴.

ب - انگلیسی

Akcomak, Semih, Bas ter, Weel. 2008. **Social Capital, Innovation and Growth: Evidence from Eroupe**, No. 3341.
 APEC, 2000.
 Chen, D.H.C, Dahman, C. 2004. "Knowledge and Development: a Cross-Section Approach", **World Bank Policy Research**, Working Paper No. 3366.
 Christoforou, Asimina. 2002. "Social Capital and Economic Growth: the Case of Greece", **Working paper**, Vol.21.
 Musai, Maysam, Marzieh, Fatemi Abhari, Saeid, Garshasbi Fakhr. 2011. "Effects of Social Capital on Economic Growth (International Comparison)", **American Journal of Scientific Research**, Vol.16.
 OECD, 1996.
 Vu, Khuing. 2005. "Measuring the Impact of ICT Investment on Economic

Growth", **Journal of economic growth**.

World bank, 2011

World bank, 2012.

Zak, P.J., Knack, S. 2001. "Trust and Growth", **Economic Journal**, No.470.



تدوین شاخص ترکیبی عدالت بر پایه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سنجش آن طی یک دوره هشت ساله



مرتضی عزتی*

تاریخ دریافت: ۹۳/۳/۷ تاریخ پذیرش: ۹۳/۷/۱۱

چکیده

هدف اصلی این نوشتار تدوین شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی و سنجش آن برای یک دوره هشت ساله است. اطلاعات مربوط به ادبیات موضوع و داده‌ها و اطلاعات آماری به روش اسنادی جمع‌آوری و تحلیل محتوا می‌شود. نشانه‌ها برای ساختن شاخص از قانون اساسی استخراج می‌شود و پس از استخراج اولیه اجزای مفهومی عدالت بر پایه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، این اجزا به وسیله یک پیمایش بین نخبگان منتخب ارزیابی می‌شوند. شمار این نخبگان ۱۵ نفر بوده است. در مرحله بعد پس از جمع‌بندی نتایج پیمایش اول، برای وزندهی بین اجزای مختلف شاخص نیز از پرسش‌نامه و پیمایش دوباره بین این افراد استفاده می‌شود تا ترکیب مورد نظر بر پایه دیدگاه نخبگان یادشده باشد. داده‌های آماری مورد نیاز برای اندازه‌گیری شاخص ترکیبی نیز شامل اطلاعات مختلفی می‌شود که اغلب توسط مرکز آمار ایران یا نهادهای جهانی گردآوری و در منابع منتشرشده توسط آنها درج شده‌اند. دوره زمانی بررسی در این پژوهش سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ است که داده‌های آن در دسترس است. اندازه‌گیری و بررسی شاخص‌ها، پس از جمع‌آوری داده‌ها و محاسبه شاخص‌ها، با استفاده از روش‌های آماری توصیفی انجام می‌شود.

واژه‌های کلیدی: عدالت، شاخص، قانون اساسی، ایران

طبقه‌بندی JEL: D63, K10, C43, O53



مقدمه

آفرینش انسان بر پایه عدالت انجام شده است، همچنان که خلقت همه هستی بر این پایه بنا شده است. بر پایه عدالت به انسان اندیشه داده شد تا از آن در راه‌های نیک بهره ببرد. پایه بسیاری از نیکی‌ها، عدالت است. پس اندیشه نیز خود موضوع عدالت است، چون بی اندیشه عادلانه نمی‌توان راه نیک و عادلانه یافت. بر این پایه است که از نخستین آموزه‌های پذیرفته‌شده در باورهای انسانی، اندیشه نیک است. به همین علت است که در نخستین اندیشه‌های ثبت‌شده انسانی از دستور پادشاهان و قانون آنها همچون قانون حمورابی و قانون کوروش و نخستین کتاب‌های آسمانی مانند اوستا و تورات، عدالت و پندار عادلانه پایه خوبی‌ها شمرده شده است.

همیشه و از سوی همه انسان‌ها ستم ناپسند شمرده شده و عدالت آیین پسندیدگان دانسته شده است. عدالت سخنی است که همه آن را به اجمال درک می‌کنند و آن را می‌پسندند، اما این عدالت مفهومی گسترده دارد که هیچ‌کس به همه ابعاد آن دست نیافته است. بنا بر همین ویژگی‌ها است که اندیشمندان نتوانسته‌اند از آن تعریف همه‌پسندی را ارائه کنند. خداوند اندیشه انسان را چنان آفرید که همه عدالت را درک کنند و آن را بپسندند، اما عدالت را چنان آفرید که هیچ‌کس نتواند آن را در بند سخن درآورد. هرکس از آن سخن گفته است، همراه با اینکه سخن از عدالت گفته است نتوانسته است عدالت را چنان روشن کند که اندیشه، بدون چون و چرا آن را بپذیرد. هر اندیشمندی که از اندیشه خدادادی عادلانه‌تر بهره برده است و آن را بهتر به کار انداخته است، عدالت را بهتر درک کرده است و سخن او درباره عدالت پذیرفته‌تر شده است. گذری در اندیشه عدالت نشان می‌دهد آنان که بی‌راهه رفتند عدل را با ستم یکی انگاشتند و یا آن را انکار کردند و آنان که تلاش صادقانه کردند گوشه‌هایی از آن را روشن کردند. اما ژرفای اندیشه عدالت به اندازه‌ای

گسترده است که هرکس که بر آن شده تا آن را خود بشناسد و به دیگران بشناساند، چون کسی که در تاریکی بر پیلی دست می‌زند گوشه‌ای از آن را شناخته و به‌عنوان عدالت معرفی کرده است. اندیشه‌هایی که از روشنایی خداوند بهره گرفته‌اند توانسته‌اند عدالت را بهتر معرفی کنند و آنان که تلاش کردند با کنار نهادن راهنمایی‌های خداوندی آن را بشناسند، هرچند عقل و اندیشه‌ای که به کار می‌برند ساخته آفریننده عادل و برگرفته از کمال این آفریننده است و برای برطرف کردن نیاز انسان کافی است، اما این عقل برای همه چیزدان شدن، زمان بسیار می‌خواهد که در دسترس انسان نیست.

عدالت یکی از آرمان‌های دیرین و همگانی آدمی است. اندیشمندان از دیرباز دیدگاه‌های گسترده‌ای درباره عدالت بیان کرده‌اند. مردم و حکمرانان مردمی نیز همواره در پی برپایی عدالت بوده‌اند و آن را هدف و آرمان خود دانسته‌اند. با این‌همه درباره عدالت از دید مفهوم و نیز از دید شاخص‌های کارکردی و اندازه‌گیری عدالت دیدگاه واحدی وجود ندارد، به‌ویژه هنگامی که سخن از اندازه تحقق عدالت می‌شود، هیچ اندیشمندی عدالت را به‌کامل تحقق یافته نمی‌بیند و همواره آدمیان را تشنه برپایی آن بیان می‌کند. در دیدگاه اسلامی، عدالت بیشتر به معنای برپایی حق و دادن حق همه انسان‌ها دانسته شده است. از دید بسیاری، عدالت فضیلت و منبع و ریشه همه فضیلت‌ها است. با نگاه به اینکه واژه عدالت، مفهوم بنیادی و در ارتباط با سعادت و کمال انسانی است، بسیاری از اندیشمندان به آن پرداخته و درباره آن دیدگاه داشته‌اند. به‌ویژه، دین‌های خدایی به آن پرداخته‌اند و گفته شده است پیامبران برای اجرای قسط و عدل برانگیخته شده‌اند. در دین اسلام به روشنی عدالت، محور و پایه فرستاده شدن پیامبران^۱ از سوی خدا و نیز تشکیل حکومت و دولت از سوی آنها دانسته شده است.^۲ در همین راستا جمهوری اسلامی ایران از نگاه قانونی به‌ویژه قانون اساسی، عدالت محوری را یکی از هدف‌های اصلی

۱. سوره حدید آیه ۲۵

۲. این دیدگاه به‌صورت صریح از سوی حضرت امام خمینی بیان شده است. برای اطلاع مراجعه شود به شئون و اختیارات ولی فقیه، ص ۲۰/ وصیتنامه امام خمینی، ص ۱۴/ صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۸۴، ج ۱۵ ص ۹-۱۴۶، ج ۱۸، ص ۳۳ و....



خود می‌داند و خواهان برنامه‌ریزی برای دستیابی به آن است؛ از این رو ضرورت دارد مفهوم عدالت را بر پایه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تعریف کرده، شاخص‌های مناسبی برای اندازه‌گیری عدالت اجتماعی در ابعاد مختلف طراحی و تدوین کنیم و آمارهای مناسب نیز جمع‌آوری و تحلیل شود تا بتوان با شناخت وضع موجود عدالت اجتماعی بر پایه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران زمینه‌های برنامه‌ریزی و نظارت برای تحقق عدالت در ابعاد مختلف را فراهم کرد. هدف این مقاله تدوین شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی و سنجش آن طی یک دوره هشت‌ساله است.

در این بررسی داده‌ها به روش اسنادی جمع‌آوری و تحلیل می‌شود. مفهوم‌ها و نشانه‌ها برای ساختن شاخص از قانون اساسی استخراج شده و پس از استخراج اولیه اجزای مفهومی عدالت بر پایه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، این اجزا به وسیله یک پیمایش بین نخبگان منتخب ارزیابی می‌شوند. شمار این نخبگان ۱۵ نفر بوده است. در مرحله بعد پس از جمع‌بندی نتایج پیمایش نخست، برای وزن‌دهی بین اجزای مختلف شاخص نیز از پرسش‌نامه و پیمایش دوباره بین این افراد استفاده می‌شود تا ترکیب مورد نظر بر پایه دیدگاه نخبگان یادشده باشد.

داده‌های آماری مورد نیاز برای اندازه‌گیری شاخص ترکیبی نیز شامل اطلاعات مختلفی می‌شود که بیشتر آنها از سوی مرکز آمار ایران یا نهادهای جهانی گردآوری و منتشر شده‌اند. دوره زمانی مورد بررسی در این پژوهش سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ است که داده‌های آن در دسترس است.

چارچوب این نوشتار پس از مقدمه، دربرگیرنده پیشینه عدالت، مفهوم عدالت بر پایه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دسته‌بندی حقوق معیار عدالت، شاخص‌های موجود برای مفاهیم ارائه‌شده برای عدالت اجتماعی، پیمایش برای ارزیابی شاخص‌های عدالت و وزن‌دهی به اجزای شاخص ترکیبی، ارائه شاخص ترکیبی نهایی براساس نتایج مطالعات و پیمایش، محاسبه زیرشاخص‌ها و شاخص‌های هریک از ابعاد عدالت اجتماعی برای هشت سال گذشته، روند شاخص‌های عدالت اجتماعی، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری است.

۱. پایه‌های نظری و پیشینه عدالت اجتماعی در اسلام

اگر بخواهیم مفهوم عدالت اجتماعی از دیدگاه اسلامی را بیان کنیم، می‌توانیم با گذری بر اندیشه‌های اندیشمندان اسلامی و یا نگاهی به آیات قرآن و روایات معصومین(س) آن را به دست آوریم. در اینجا نخست نگاهی به دیدگاه‌های برخی از اندیشمندان مسلمان در این زمینه می‌کنیم و پس از آن گذری بر قرآن و سنت در این باره خواهیم داشت تا برداشت برتر از مفهوم عدالت با دیدگاه اسلامی را نشان دهیم.

۱-۱. عدالت اجتماعی در اندیشه اندیشمندان مسلمان

می‌توان گفت نخستین اندیشمند مسلمان پس از رهبران دینی اولیه اسلامی که در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اندیشه‌های یکپارچه‌ای داشته است، **فارابی** است. پس از او اندیشمندان دیگری نیز در این زمینه دیدگاه‌هایی ارائه کرده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱-۱-۱. محمد فارابی

ابونصر محمد فارابی (۲۵۷/۲۵۹-۳۳۹ هـ.ق) از نخستین اندیشمندان مسلمان است که به گونه‌ای یکپارچه فلسفه حکومت را با نگاهی اسلامی ارائه کرده است. او همراه مطرح کردن جنبه‌های گوناگون عدالت به عدالت اجتماعی در اداره جامعه نیز به خوبی پرداخته است. او عدالت را به عنوان یک ویژگی خداوند و آفرینش او پایه این جهان و نظام حاکم بر آفرینش می‌داند. فارابی عدالت به عنوان یک ویژگی اخلاقی را نیز می‌پذیرد و آن را بر پایه رفتار عادلانه فردی، یک برتری (فضیلت) فردی و انسانی می‌داند. فارابی در برداشت اجتماعی خود از عدالت آن را رعایت شایستگی افراد در توزیع منابع می‌داند.

۱-۱-۲. ابن مسکویه

ابوعلی الخازنه محمد بن یعقوب (دارای شهرت ابن مسکویه) (۴۲۱-۳۲۵ هـ.ق) از دیگر اندیشمندان نخستین اسلامی است که درباره عدالت اجتماعی نظر داده است. در دیدگاه این اندیشمند ایرانی عدالت قرار دادن هر چیزی در جایگاه خودش



و دادن حق هر صاحب حقی به او و پایدار کردن روابط بین پدیده‌ها بر پایه عدالت آفرینش است. همچنین او وظیفه حاکم جانشین پیامبر(ص) را از بین بردن هرگونه ظلم، برپایی عدالت و حکمرانی بر پایه عدالت می‌داند (عیوضلو، ۵۶).

۳-۱-۱. خواجه نصیرالدین طوسی

محمد نصیرالدین طوسی (۷۵۵-۶۷۰ ه‍.ق) اندیشمند برجسته‌ای که به نخست‌وزیری رسید، دیدگاهی مانند ابن مسکویه اما کلی‌تر از آن دارد. او قرار دادن هر چیزی در جایگاه خود را عدالت می‌داند و جایگاه هر چیزی را بهترین شکل آن چیز می‌داند؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از خوبی‌ها را در عدالت می‌گنجانند، مانند: راستی، نزدیکی و محبت، وفاداری، مهربانی، دیدار نزدیکان، مکاتبات، نیکی، شرکت، دوستی، تسلیم در برابر خدا، توکل به خدا، پرستش خدا و همچون اینها (طوسی، ۷۹). خواجه نصیرالدین طوسی، عدالت را کامل‌ترین ویژگی (فضیلت) انسان (طوسی، ۲۵۹) برقراری آن در جامعه را عامل پایداری و نگهداشت گونه انسانی می‌داند (طوسی، ۱۱۳).

۴-۱-۱. ابن خلدون

عبدالرحمان محمد ابن خلدون (۸۰۸-۷۳۲ ه‍.ق) در مقدمه کتاب تاریخ خود بسیاری از اندیشه‌های اجتماعی خود را نوشته است. بیشتر پایه‌های اندیشه او از پیشینیان گرفته شده است. او در جایی نگهداشت و پایداری دین، نفس، نسل، عقل و مال را به پیروی از دیدگاه **ابن تیمیه** مصلحت می‌داند و خدشه وارد شدن به این پنج بخش از مصلحت را ظلم می‌داند و ظلم را نقیض عدل می‌داند. این‌گونه او عدل را تعریف می‌کند. او در جایگاه‌های دیگر، عدالت را به معنای اعتدال و حد وسط، ماهیت آفرینش جهان از سوی خداوند، نهادن هر چیزی در جایگاه خودش، رعایت شایستگی‌ها در دادن هر چیزی به افراد و رعایت استحقاق‌ها و عدالت به معنای برپایی سیاست شرعی به کار می‌برد. عدالت به معنای سیاست شرعی از کتاب «احکام سلطانیه» **ابوالحسن ماوردی** گرفته شده است. روشن است که معناهای دیگری که از سوی ابن خلدون برای عدالت به کار برده شده است، از سوی اندیشمندان دیگر پیشین نیز بیان شده است.

شاید بتوان گفت ابن خلدون آخرین اندیشمند مسلمان در دوره‌های گذشته است که اندیشه‌های نو بیان کرده است. بیش از پانصد سال کشورهای اسلامی از اندیشمندان بزرگی که دیدگاه‌های علمی نو داشته باشند، محروم بوده‌اند. برخی از اندیشمندان دوره ما نیز درباره عدالت اجتماعی دیدگاه‌هایی براساس دانش امروز ارائه کرده‌اند که آنها را نیز یادآوری می‌کنیم.

۵-۱-۱. سید قطب

سید قطب (۱۳۲۴-۱۳۸۷ هـ.ق) در کتاب «عدالت اجتماعی در اسلام» دیدگاه‌های خود در این زمینه را بیان کرده است. ایده محوری اندیشه‌های او درباره عدالت، برابری انسان‌ها است. در کنار این محور، او آزادی و تکامل اجتماعی پایدار را نیز به‌عنوان اصل‌های دیگر عدالت اجتماعی اسلام می‌داند.

۶-۱-۱. مرتضی مطهری

مرتضی مطهری (۱۳۵۸-۱۲۹۸ هـ.ش) دیدگاه‌های خود درباره عدالت را در چند کتاب و نوشته خود ارائه می‌کند. ایشان در کتاب «عدل الهی» به‌شکل گسترده به مفهوم و جنبه‌های عدالت پرداخته است. عدالت از دیدگاه او به‌معنای برابری بین انسان‌ها، در برابر تبعیض به‌معنای بی‌عدالتی، توازن و در جایگاه خود گذاشته شدن در نظام آفرینش در برابر بی‌نظمی و نابسامانی و دادن حق هر کسی به او و اجتماع در برابر ستم است. بر این پایه می‌توان گفت در اندیشه‌های مطهری عدالت اجتماعی به‌معنای دادن حق هر صاحب حقی به او است.

مطهری در زمینه دیدگاه‌های دیگر عدالت نیز نگرش خود را مطرح کرده است. او عدالت به‌معنای کارکرد متوازن و متناسب در اجتماع در زمینه‌های گوناگون را یک برداشت از عدالت می‌داند و می‌نویسد اگر اجتماع بخواهد پایدار بماند، باید متعادل باشد و هر چیزی در آن به‌قدر لازم نه مساوی- باشد. یک اجتماع متعادل به کارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، قضایی و تربیتی نیاز دارد. این کارها باید بین افراد تقسیم شود و باید در آنها اندازه نیاز در نظر گرفته شود و برای هر یک به اندازه نیاز امکانات صرف شود. او با برداشت توازن و تناسب در نظام آفرینش (مطهری، ۱۳۸۸) در معنای عدالت به مفهوم مساوات، عدالت را ایجاد شرایط یکسان برای



همه و کنار زدن یکسان موانع برای همه تعریف می‌کند (مطهری، ۱۴۰۳، ۱۵۷). او این برداشت را در جای دیگر این‌گونه روشن می‌کند که این به معنای آن نیست که هیچ‌گونه استحقاقی رعایت نمی‌شود، بلکه دادن مساوی به استحقاق‌های مساوی است (مطهری، ۱۳۸۸، ۶۱-۶۰). وی می‌نویسد اگر این برداشت در نظر باشد عدالت به معنای دادن امکانات به هرکس به اندازه حق او است و این را عدالت اجتماعی از دیدگاه اسلامی می‌داند و پایمال کردن حق دیگران را ظلم می‌داند.

۷-۱-۱. محمد باقر صدر

صدر (۱۳۵۹ هـ.ش) تلاش می‌کند برپایه قانون شرع، عدالت اجتماعی از دیدگاه اسلامی را تبیین کند. او عدالت را پایه‌ای‌ترین ویژگی در اقتصاد اسلامی و یک اصل اسلام و برپایی آن را پایه‌ای‌ترین هدف اقتصاد اسلامی می‌داند. وی برای عدالت اجتماعی جنبه اخلاقی عدالت در اسلام و نیز جنبه حکومتی عدالت را پایه می‌داند و می‌نویسد عدالت اجتماعی در اسلام بر دو زیرساخت پایه‌ریزی شده است: یکی توازن اجتماعی و دیگری همکاری همگانی که این دو را توضیح می‌دهیم.

توازن اجتماعی: صدر ناهمسانی انسان‌ها را می‌پذیرد و پایه آفرینش را چنین می‌داند که انسان‌ها در توانایی‌ها با هم یکی نیستند. چون او پایه ثروت را کار می‌داند، می‌نویسد که انسان‌های دارای توانایی همسان، کار ناهمسان می‌کنند و به کار ناهمسان باید درآمد ناهمسان داده شود. بر این پایه از دیدگاه او برابری درآمد، همه پذیرفته نیست و درآمد باید به تناسب کار انجام شده باشد. پس از نظر درآمد، افراد می‌توانند ناهمسان باشند. اما از نظر زندگی برپایه سطح اجتماعی و موقعیت کاری خود در هر سطحی که هستند باید بتوانند برای خود زندگی یکسانی با هم سطح‌های خود فراهم کنند. به سخن دیگر، صدر عدالت به معنی برابری را می‌پذیرد، اما این برابری در محدوده ویژه هم‌سطح‌ها و تنها در معیشت است و برابری درآمدها از دیدگاه او پذیرفته نیست (صدر، ۱۳۵۶: ۳۳۱).

همکاری همگانی: بر پایه یک اصل اخلاقی اسلامی، همه افراد در برابر دشواری‌های یکدیگر مسئولیت دارند. برخی از قوانین دینی نیز بخشی از این مسئولیت‌ها را اجباری کرده است. برپایه اندیشه‌های صدر، عامل معنوی و اخلاقی

فردی و وظیفه‌داری حکومت، ضامن اجرای اصل همکاری همگانی برای تأمین نیازهای افراد جامعه است. این همکاری ایجادکننده توازن اجتماعی در فراهم کردن امکانات برای تأمین نیازهای (معیشت) نیازمندان است (صدر، ۱۳۵۶: ۳۶۸-۳۶۳). برپایه استدلال‌های کتاب «اقتصاد ما» می‌توان گفت، صدر در تبیین دیدگاه خود از حقوق شرعی فرد و جامعه نسبت به یکدیگر بهره می‌گیرد و آنها را در چارچوب حقوق برابر افراد و یا محدودیت‌های برابری‌ها بیان می‌کند.

۱-۱-۱. محمدرضا حکیمی

محمدرضا حکیمی (۱۳۱۴ ه.ش) در مجموعه «الهیات» با استفاده از آیات و روایات تلاش کرده است دیدگاه خود درباره اقتصاد را تبیین کند. او عدالت را هدف نهایی نظام و مبنای بی‌همتای احکام اقتصادی اسلام می‌داند (حکیمی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۲۶). برداشت او از عدالت بر معنای توازن اجتماعی، پایدار شده است. او شکاف و تفاوت درآمدی و ثروتی را به معنای نامتوازن شدن و همان بی‌عدالتی می‌داند. جامعه عادلانه‌تر از دیدگاه او جامعه‌ای است که در آن دارایی و مصرف مردم همسان‌تر باشد (حکیمی، ۱۳۶۷، ج ۶: ۱۵۳). دیدگاه حکیمی در نوشته‌های دیگرش اندکی تغییر کرده است و برابری در مصرف را ملاک عدالت اسلامی می‌داند و در جایی بیان می‌کند این برابری را نیز به‌صراحت بیان نکردیم (حکیمی، ۱۳۸۳: ص ۶۰).

اندیشمندان بسیار دیگری نیز در نوشته‌های خود به عدالت پرداخته‌اند. برخی از آنها در پی تعریف عدالت برآمده‌اند و برخی گوشه‌هایی از آن را روشن کرده‌اند. از جمله این اندیشمندان، **محمدحسین طباطبایی** است که در «تفسیر المیزان» زیر آیه‌هایی که به عدالت اشاره داشته است، نظراتی در این زمینه داده‌اند. ایشان در تعریفی برای عدالت زیر آیه می‌نویسد، عدالت اجتماعی عبارت است از اینکه با هریک از افراد جامعه طوری رفتار شود که مستحق آن هستند و در جایی، جای داده شوند که شایسته آن هستند و این ویژگی اجتماعی است که همه مأمور انجام آن هستند (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۲۴: ۲۴۶-۲۴۳).

امام خمینی (ره) نیز درباره عدالت و به‌ویژه ضرورت اجرای آن دیدگاه‌هایی

داشته‌اند که در جایگاه‌های گوناگون بیان کرده‌اند. در دیدگاه ایشان عدالت به معنای گوناگون به کار رفته است: عدالت به معنای دادن حق صاحبان حق، برخوردها برپایه شایستگی‌ها، برابری، توازن اجتماعی، انصاف، بی‌طرفی و مانند اینها (عزتی، ۱۳۷۸).

۲-۱. عدالت در قرآن و سنت

عدالت در قرآن و سنت به طور گسترده مطرح شده است. خداوند در آیه ۲۵ سوره حدید می‌فرماید: به پیامبران میزان و حدید دادیم تا مردم را برای قیام به قسط برانگیزند. خداوند در آیه ۹۰ سوره نحل نیز فرمان همگانی برای تلاش در جهت اجرای عدالت می‌دهد. در جای جای قرآن، سخن از عدالت و دادن حقوق دیگران رفته است. در قرآن کریم عدالت و برپا داشتن قسط یکی از ویژگی‌های خداوند دانسته شده است. افزون بر این در آیات بسیاری از قرآن، خداوند از ستم کردن، پاک دانسته شده است. آیه ۱۸ سوره آل عمران می‌فرماید: «شهد الله انه لا اله الا هو و الملائكة و اولوالعلم قائماً بالقسط: خداوند و فرشتگان و دانشمندان گواهی می‌دهند که خداوندی جز خدای یکتا که برپادارنده قسط است وجود ندارد». بر این پایه عدل یک ویژگی خداوند است.

همچنین آیات قرآن نشان می‌دهند که پایه‌های قیامت هم بر عدل استوار است و برپایی قیامت برای این هدف است. آیه ۴۷ سوره انبیاء چنین است: «و نفع الموازين القسط ليوم القيامة فلا تظلم نفس شيئا و ان كان مثقال حبة من خردل آتينا بها و كفا بنا حاسبين: ترازوهای معیارهای مبتنی بر قسط را در روز قیامت برپا می‌کنیم. و به هیچ کس ستم نخواهد شد و اگر کسی کاری بسیار اندک انجام داده باشد آن را در ترازوها می‌گذاریم و این بس که ما حسابگر هستیم». این چند نکته که یادآوری کردیم نشان‌دهنده پیوستگی، توحید، پیامبری و قیامت به عدل است. یعنی اصول سه‌گانه دین با عدل پیوند بی‌چون و چرایی دارند.

در آیه‌های قرآن به جنبه‌های گوناگونی از عدالت نیز توجه شده است. مانند اینکه تأییدکننده و حکم‌دهنده عادل باشد (مائده، ۹۵)، شاهد عادل باشد (طلاق، ۲) خداوند عادل‌ها را دوست دارد (حجرات، ۹، مائده ۴۲ و ممتحنه، ۸)، خداوند

دستور داده است انسان‌ها به عدالت رفتار کنند (نحل، ۹۰، اعراف، ۲۹ و یوسف، ۴۰) و جنبه‌های بسیار دیگری که در نوشته‌های بسیار موجود در این زمینه آورده شده است.

در سخنان پیامبر(ص) و حضرت علی(ع) و یازده امام(ع) دیگر نیز سخنان بسیاری درباره عدالت آمده است که شاید بتوان گفت بخش بسیاری از آنها در تفسیر این آیه‌ها ذکر شده است.

- پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: آسمان‌ها و زمین برپایه عدل استوار شده‌اند.
 - حضرت علی(ع) درباره عدالت سخنان بسیاری دارد که می‌توان آنها را روشن‌کننده مفهوم و جنبه‌های عدالت دانست. آن حضرت درباره اهمیت عدالت می‌فرماید: «عدل ستونی است که هستی برپایه آن پایدار است» (بحار، ج ۷۸: ۸۳)، هیچ چیزی مانند عدل نمی‌تواند مایه آبادانی شهرها شود (غررالحکم، ۴۰۷) و به سیاست‌مداران سفارش می‌کند عدل را شمشیر خود برای اصلاح کارها قرار دهید و در جایی می‌فرماید عدل بر ایثار برتری دارد.

- سخنان امامان(ع) درباره عدالت بسیار گسترده است. در اینجا برای آشنایی بیشتر و جلوگیری از تکرار به کتاب «الحیاء» ارجاع می‌دهیم که بیشتر آنها را به صورت یکجا آورده است. درباره مفهوم عدالت می‌توان گفت بیشترین سخنان از حضرت علی(ع) آورده شده است. ایشان درباره عدل در جایگاه‌های بسیاری سخن گفته‌اند. دو تعبیر ایشان جامع‌تر است و بیان‌های دیگر با مصداق‌ها و بیان مصداق تعبیر می‌شود. این دو تعبیر از عدالت چنین است:

- العدل وضع الشیء فی موضعه، عدالت جای دادن هر چیزی در جایگاه خودش است.

- العدل اعطای کل ذی حق حقه: عدالت حق هر صاحب حقی را به او دادن است.

اگر دقت کنیم این تعبیرها یک مطلب را می‌گویند و آن قرار دادن هر چیزی در جایگاه خودش است که رویکرد و نگاه دیگری از دادن حق هر صاحب حق به او است. این پایه از دیدگاه بیشتر اندیشمندان مسلمان پذیرفته شده است. برای نمونه، مطهری (عدل الهی، ۱۳۸۸) علامه طباطبایی (المیزان، ج ۲۴: ۶-۲۴۳) امام



خمینی (ره) (عزتی، ۱۳۷۸) و مانند اینها. بنابراین می‌توان گفت این مفهوم در آیات و روایات پذیرفته شده‌تر است که عدالت به معنی دادن حق هر دارنده حقی به خود او است. ما این مفهوم را برای عدالت پذیرفته شده در نظر می‌گیریم و درباره آن توضیحی می‌دهیم تا این مفهوم روشن‌تر شود.

برپایه یافته‌هایی که بیشتر اندیشمندان مسلمان از عدالت داشته‌اند، به‌ویژه برپایه تعریف روشن حضرت علی (ع) درباره عدالت ما می‌پذیریم که عدالت به معنای دادن حق صاحبان حق به خود آنها است. شاید بتوان گفت در قرآن بیش از آنکه به عدالت پرداخته شده باشد، سخن از ناپسندی ظلم و ناحق‌های گوناگون در چارچوب‌های ستم، اجحاف، نادیده گرفتن دیگران، تجاوز و مانند اینها گفته شده باشد. اینها نشان‌دهنده آن است که عدالت به معنای دادن حق هر دارنده حق به او معنای درست‌تر و پذیرفته‌شده‌تری برای عدالت از دیدگاه قرآن باشد. زیرا می‌توان گفت همه معناهای یادشده به‌گونه‌ای زیر پا گذاشتن حق دیگران و برداشت از حق دیگران است که در برابر پسندیده و پایه بودن عدالت، ناپسند و ناپذیرفتنی دانسته شده‌اند.

در دیدگاه اجتماعی که عدالت با پسوند اجتماعی یعنی عدالت اجتماعی گفته می‌شود، عدالت به معنای پذیرفته شده ما دادن حق انسان‌ها و جامعه است. برای روشن شدن عدالت در این زمینه‌ها همراه با دعوت قرآن به عدالت، از شرایط نبود عدالت سخن گفته شده است که واژه ظلم یا همان ستم یا واژه‌های دیگر نشان‌دهنده هدف، به‌کار برده شده است. این واژه‌ها بیشتر برای حالت‌هایی که یکی از حق‌های فردی انسان‌ها یا حق جامعه نادیده گرفته شده است به‌کار رفته‌اند.

به علت گستردگی کارهایی که ناحق را می‌سازند، شمار این واژه‌ها در قرآن بیشتر است. از جمله آنها می‌توان به واژه‌های، ظلم، جور، علو و یا واژه‌هایی که نشان‌دهنده دزدی، کم‌فروشی، تصرف، تصاحب جایگاه، خوردن مال دیگران و مانند اینها است، یاد کرد. می‌توان گفت در قرآن حق، دامنه گسترده‌ای دارد و از آن برداشت کرد که حق‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و مانند آن برای هریک از افراد جامعه و نیز برای همه جامعه یکجا در نظر است.

برپایه دیدگاه اسلامی بیشتر حق‌هایی که افراد و جامعه دارند از سوی خداوند

روشن شده است. برخی از آنها که برپایه زمان و جایگاه ایجاد می‌شود نیز می‌تواند از روی پایه‌های تشریح از سوی متخصصان فن بیرون آورده و روشن شود. بر این اساس در هر جامعه‌ای برپایه فرهنگ، سنت‌ها و دیگر شرایط پیرامونی حق می‌تواند، اندکی گسترده‌تر یا محدودتر تعریف شود. چنان‌که امروزه در هریک از کشورهای اسلامی که قوانین آنها برپایه دین تدوین و پیاده می‌شود، حقوق افراد و جامعه اندکی با کشورهای دیگر تفاوت دارد.

در برابر این دیدگاه نیز دیدگاهی وجود دارد که حقوق تعیین شده از سوی دین ثابت برای همه جامعه‌ها یکسان است. اما آنچه در نگرش متخصصان با دیدگاه‌های متفاوت دیده می‌شود، این است که می‌توان گفت آنچه اکنون در جامعه‌ها برپا است، حقوق ناهمسان است. اگر ما بخواهیم به‌خوبی این حقوق را برای جامعه روشن کنیم، می‌توانیم حقوقی را که در آن جامعه تدوین و پیاده شده است در نظر بگیریم. اگر برپایه اسلام تدوین و پیاده شده است، بپذیریم که حقوقی اسلامی است.

قانون اساسی هر کشوری حقوق اساسی مردم آن کشور را روشن کرده و در خود گنجانده است. می‌توانیم به این قانون به‌عنوان پایه حقوق مردم در برابر یکدیگر، دولت در برابر مردم، مردم در برابر جامعه و مانند اینها نگاه کنیم. پایه‌ای که برای همه حقوق مردم است. چون قانون اساسی کشور ما از سوی متخصصان دین (فقیهان) و متخصصان دانش‌های روز برپایه دین و جایگاه کشور تدوین و از سوی مردم پذیرفته شده است، می‌توانیم آن را حقوق تعیین شده پذیرفتنی از سوی اسلام بدانیم. به‌رحال مهم‌تر از آن، این است که این قانون اکنون قانون اساسی کشور است و تنها معیار پایه‌ای تعیین حقوق اساسی مردم در کشور است که برپایه اسلام تدوین شده و اداره کشور باید برپایه آن انجام شود. هر چیزی که با آن در مغایرت باشد قانون قابل پذیرش و پیاده کردن نیست و هر چیزی که بخواهد پیاده شود باید در راستای آن پای گرفته باشد.

افزون بر این روشن است که قانون اساسی کشور ما برپایه دین اسلام و برگرفته از قرآن و سنت است و از سوی متخصصان بسیاری درستی این مطلب پذیرفته شده است. البته ممکن است دیدگاه برخی این باشد که این قانون با دیدگاه و برداشت ویژه‌ای از اسلام تدوین شده است. با این وجود دیدگاه‌های دیگری نیز

می تواند با اسلام سازگار باشد. اما آنچه اکنون ما در دست داریم و می توانیم برترین ملاک پذیرفته شده در جامعه بدانیم، همین قانون اساسی است که اگر برپایه آن ملاک های عدالت را تدوین و پیاده کنیم، برترین ملاک ها خواهند بود.

۲. مفهوم عدالت برپایه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

برپایه بررسی انجام شده، می توان چنین برداشت کرد که در قانون اساسی، بیشتر عدالت به معنای دادن حق هر دارنده حقی در نظر گرفته شده است. زیرا آنجا که سخن از عدالت، عدل و قسط است، مفهوم کلی آن بیان شده است و یا عهده داری برپای آن از سوی بخش های نظام و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی در رده های گوناگون روشن شده است. بر این پایه، مفهوم عدالت در قانون اساسی به عنوان یک مفهوم کلی بیان شده است و آنجایی که هدف، روشن کردن چگونگی اجرای آن بوده است بیشتر در چارچوب حقوق مردم یا وظایف و مسئولیت های سازمان ها، نهادها و کارگزاران بیان شده است. این چارچوب ها روشن کننده حقوق مردم است. می توان گفت همه حقوقی که در قانون اساسی آورده شده است، حقوق مردم است و باید به آنها داده شود، اگر داده نشود و در دادن آنها کوتاهی شود، ستم شده است و با تعریف عدالت به معنای دادن حق هر دارنده حقی، عدالت زیرپا گذاشته شده است. در اینجا حقوقی از ملت که جنبه کاربردی دارد و می توان آنها را با مصداق، روشن کرد و حالت کلی مانند برقراری قسط، عدل، رفع ستم و همچون اینها را ندارد فهرست می کنیم.

- داشتن محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی (اصل ۳، بند ۱ و اصل ۴۳)؛
- مبارزه با فساد و تباهی (اصل ۳، بند ۱)؛
- حق بالا بردن آگاهی های عمومی در همه زمینه ها با به کارگیری رسانه های گروهی و وسایل دیگر (اصل ۳، بند ۲ و اصل ۴۳)؛
- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان (اصل ۳، بند ۳)؛
- تسهیل و تعمیم آموزش عالی (اصل ۳، بند ۳)؛
- تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در همه زمینه های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی (اصل ۳، بند ۴)؛

- محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی (اصل ۳، بند ۶)؛
- تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی (اصل ۳، بند ۷ و اصل‌های ۹، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۳۲، ۳۸ و اصل ۱۵۶، بند ۲ و...)
- مشارکت همه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (اصل‌های ۶، ۷، ۴۳، ۱۰۰، بند ۸ و اصل ۳ و...)
- رفع تبعیض (اصل ۳، بند ۹ و اصل‌های ۴۸، ۱۰۱ و ۱۰۴)؛
- نظام اداری سالم (اصل ۳، بند ۱۰ و اصل ۱۴۸)؛
- آموزش نظامی عمومی (اصل ۳، بند ۱۱)؛
- اقتصاد سالم عمومی (اصل ۳، بند ۱۲)؛
- رفاه (اصل ۳، بند ۱۲)؛
- رفع فقر (اصل ۳، بند ۱۲)؛
- برطرف کردن محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت (اصل ۳، بند ۱۲ و اصل‌های ۲۹ و ۴۳)؛
- تعمیم بیمه (اصل ۳، بند ۱۲ و اصل‌های ۲۹ و ۴۳)؛
- تأمین حقوق همه‌جانبه افراد و امنیت قضایی عادلانه (اصل ۳، بند ۱۴)؛
- حق مالکیت بر درآمد و دارایی (اصل ۴۶)؛
- برابری همه در برابر قانون (اصل ۳، بند ۱۴)؛
- برادری اسلامی و تعاون عمومی (اصل ۳، بند ۱۵)؛
- داشتن و استحکام خانواده (اصل ۱۰)؛
- برخورداری از مقررات مذهبی در مناطق برای اقلیت‌ها (اصل ۱۲)؛
- برابری قومی، نژادی، زبانی و مانند این‌ها (اصل ۱۴)؛
- برابری حقوق زن و مرد (اصل ۲۰)؛
- ایجاد زمینه مساعد برای رشد شخصیت زن (اصل ۲۱، بند ۱)؛
- حمایت از مادران (اصل ۲۱، بند ۲)؛
- حمایت از کودکان بی‌سرپرست (اصل ۲۱، بند ۲ و ۵ و اصل ۲۹)؛
- دادگاه خانواده (اصل ۲۱، بند ۳)؛
- بیمه بیوگان و زنان سال‌خورده و بی‌سرپرست (اصل ۲۱، بند ۴ و اصل‌های

۲۹ و ۴۳)؛

- مصونیت حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص (اصل‌های ۲۲ و ۳۹)؛

- آزادی رسانه‌ها (مطبوعات و نشریات) (اصل ۲۴)؛

- آزادی شغل (اصل‌های ۲۸ و ۴۳)؛

- داشتن شغل (اصل‌های ۲۸ و ۴۳)؛

- تأمین اجتماعی برای بازنشستگی، بی‌کاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، درراه‌ماندگی، حوادث، سوانح، خدمات بهداشتی، درمانی و مراقبت‌های پزشکی (برای یک‌یک افراد) (اصل‌های ۲۹ و ۴۳)؛

- داشتن مسکن (اصل‌های ۳۱ و ۴۳)؛

- دسترسی به دادگاه (اصل ۳۴)؛

- داشتن وکیل (اصل ۳۵)؛

- جلوگیری از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقعیت تصرف زمین‌های عمومی، اماکن فساد (اصل ۴۹ و اصل ۱۵۶، بند ۴)؛
- حق اداره امور کشور به دست مردم (اصل‌های ۶، ۷، ۶۲، ۸۴، ۱۰۰ و ۱۱۴)؛
- حق انتخاب رئیس‌جمهور (اصل‌های ۶، ۷، ۱۱۴ و ۱۱۷)؛
- حق انتخاب نمایندگان مجلس (اصل‌های ۶، ۷ و ۶۲)؛
- حق انتخاب تصمیم‌گیران و اداره‌کنندگان جامعه (شوراها و...) (اصل‌های ۶، ۷، ۶۲، ۸۴ و ۱۰۰).

۳. دسته‌بندی حقوق معیار عدالت

برپایه آنچه گفته شد، می‌توان حقوق مردم را که در قانون اساسی آورده شده است و برای عدالت تعریف کردیم در شش گروه دسته‌بندی کرد. این شش گروه حقوق معیار و زیرشاخه‌های آن به شرح زیر است.

۳-۱. عدالت به معنای برابری (تبعیض)

عدالت به معنای برابری می‌تواند حقوق یادشده در زیر را از قانون اساسی دربرگیرد.

۱. رفع تبعیض؛

۲. برابری همه در برابر قانون؛

۳. برابری قومی، نژادی، زبانی و مانند اینها؛

۴. برخورداری از مقررات مذهبی در مناطق برای اقلیت‌ها؛

۵. برابری حقوق زن و مرد.

۲-۳. عدالت اقتصادی (عدالت به معنای رفاه عمومی)

عدالت اقتصادی می‌تواند حقوق یادشده در زیر از قانون اساسی را دربر گیرد.

۱. اقتصاد سالم عمومی؛

۲. رفاه؛

۳. رفع فقر؛

۴. برطرف کردن محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و

داشتن شغل و آزادی شغل و مسکن؛

۵. حق مالکیت بر درآمد و دارایی؛

۳-۳. عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی می‌تواند حقوق یادشده در زیر را از قانون اساسی دربر گیرد.

۱. آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان؛

۲. تسهیل و تعمیم آموزش عالی؛

۳. آموزش نظامی عمومی؛

۴. تعمیم بیمه؛

۵. تأمین اجتماعی برای بازنشستگی، بی‌کاری، پیری، ازکارافتادگی،

بی‌سرپرستی، درراه‌ماندگی، حوادث، سوانح، خدمات بهداشتی، درمانی و

مراقبت‌های پزشکی (برای یک‌یک افراد)؛

۶. حمایت از کودکان بی‌سرپرست؛

۷. بیمه بیوگان و زنان سال‌خورده و بی‌سرپرست؛

۸. مصونیت حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص؛

۹. مبارزه با فساد و تباهی؛

۱۰. نظام اداری سالم؛

۱۱. جلوگیری از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقعیت، تصرف زمین‌های عمومی، اماکن فساد؛
۱۲. داشتن و استحکام خانواده؛
۱۳. ایجاد زمینه مساعد برای رشد شخصیت زن؛
۱۴. داشتن محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی؛
۱۵. برادری اسلامی و تعاون عمومی؛
۱۶. حمایت از مادران.

۳-۴. عدالت سیاسی

- عدالت سیاسی می‌تواند حقوق یادشده در زیر را از قانون اساسی دربر گیرد.
۱. محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی؛
 ۲. تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی؛
 ۳. آزادی رسانه‌ها (مطبوعات و نشریات)؛
 ۴. مشارکت همه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛
 ۵. حق بالا بردن آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با به‌کارگیری رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر.

۳-۵. عدالت حقوقی قضایی

- عدالت قضایی می‌تواند حقوق یادشده در زیر را از قانون اساسی دربر گیرد.
۱. تأمین حقوق همه‌جانبه افراد؛
 ۲. امنیت قضایی عادلانه؛
 ۳. دسترسی به دادگاه؛
 ۴. داشتن وکیل؛
 ۵. دادگاه خانواده.

۳-۶. حقوق دیگر مردم

مردم علاوه بر حقوق یادشده حقوق بسیاری برعهده دولت‌مردان دارند که بسیار

گسترده است. برخی از این حقوق در بندهای یادشده گنجانده نشده‌اند که بررسی آنها با دشواری‌هایی روبه‌رو است. به دو نمونه از آنها اشاره می‌کنیم، اما در بررسی‌های بعدی برای حفظ انسجام و هماهنگی کار، آنها را وارد نمی‌کنیم.

۱. تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در همه زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی؛

۲. استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش برای پیشبرد آنها.

۴. شاخص‌های موجود برای مؤلفه‌های شناسایی‌شده برای عدالت

در بخش پیشین، بازتعریفی از مفهوم عدالت از دیدگاه قانون اساسی به‌معنای دادن حق صاحبان حق به آنها با رویکرد توجه به عملیاتی بودن و قابلیت ارائه شاخص برای آنها، ارائه کردیم. در اینجا تلاش می‌کنیم مفاهیم یادشده را با شاخص‌هایی که در ادبیات شاخص‌های عدالت در دسترس است و نیز با شاخص‌هایی که در زمینه‌های دیگر موجود است، مقایسه کنیم تا از این رهگذر شاخص‌هایی را در این زمینه انتخاب کنیم و برای به‌کارگیری در این پژوهش بررسی کنیم. به همان ترتیبی که در بند پیشین، عدالت در قانون اساسی را در شش گروه دسته‌بندی کردیم، در اینجا تلاش می‌کنیم از بین شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی در دسترس، شاخص‌هایی را که با مفهوم‌های یادشده نزدیکی بیشتری دارند برگزینیم و معرفی کنیم تا در دنباله کار آن را در بررسی خود وارد کنیم.

۴-۱. شاخص‌های عدالت به‌معنای نبودن تبعیض

یکی از محورهای اصلی عدالت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تبعیض است که با شکل‌های گوناگون در قانون اساسی آمده است و ما آن را بیان کردیم؛ اینها می‌توانند با شاخص‌های گوناگونی نشان داده شوند. برخی از شاخص‌های قابل استفاده در این زمینه شاخص تبعیض جنسیتی و یا شاخص توانمندسازی جنسیتی و توسعه جنسیتی و تبعیض بین‌منطقه‌ای (تبعیض قومی، مذهبی و زبانی) است که شاخص تبعیض جنسیتی را می‌توان از شاخص‌های پایه برنامه ملل متحد استخراج کرد.



۴-۲. شاخص‌های عدالت اقتصادی (عدالت به معنای رفاه عمومی)

یکی از جنبه‌های عدالت، سلامت اقتصادی است که می‌توان آن را با شاخص‌های رفاه همگانی (درآمد برای همه مردم یا درآمد سرانه)، شاخص فقر انسانی، اشتغال (بیکاری)، تورم، فقر، فقر مسکن (برخورداری از مسکن مناسب)، فقر غذایی و امید به زندگی نشان داد. علاوه بر اینها در زمینه حقوق مالکیت، شاخص نقض حقوق مالکیت نیز به کار می‌رود. چنین شاخص‌هایی می‌تواند نشان‌دهنده برخورداری مردم از این جنبه عدالت باشد.

۴-۳. شاخص عدالت فرهنگی-اجتماعی (دو گروه)

دسترسی به آموزش همگانی و آموزش همگانی رایگان و تسهیل در آموزش عالی می‌تواند با شاخص‌های گوناگونی سنجیده شود. شاید یکی از بهترین این شاخص‌ها که در سطح جهانی به کار گرفته می‌شود، شاخص آموزش برنامه ملل متحد باشد که جزئی از شاخص توسعه انسانی نیز می‌باشد. این شاخص در سطح جهانی با آزمون‌های گوناگون و بازبینی‌های بسیار تکامل یافته و از برتری‌هایی برخوردار است. چون بخشی از آموزش عمومی در ایران به آموزش نظامی اختصاص دارد، می‌توان آن را نیز جزئی از آموزش عمومی در ایران در نظر گرفت. این شاخص می‌تواند نشان‌دهنده برخورداری مردم کشور از این جنبه عدالت باشد. برای تربیت بدنی نیز می‌توان از نسبت هزینه‌های خصوصی تربیت بدنی دانش‌آموزان به بودجه تربیت بدنی رایگان استفاده کرد.

شاید بتوان گفت بیمه‌های اجتماعی، بسیاری از جنبه‌های عدالت اجتماعی را پوشش می‌دهند. به این علت از این شاخص در زمینه عدالت اجتماعی استفاده بسیار می‌شود. اندازه پوشش بیمه‌ای تأمین اجتماعی اصلی‌ترین شاخص از این نوع است. با نگاه به متن قانون اساسی می‌توان از آن در زمینه‌های گوناگون برای نشان دادن تحقق حقوق مردم استفاده کرد. بر این پایه می‌توان از شاخص‌هایی مانند درصد پوشش بیمه‌های اجتماعی (درب‌گیرنده بازنشستگی، بی‌کاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث، سوانح، خدمات بهداشتی، درمانی و مراقبت‌های پزشکی، بیوگان و زنان سال‌خورده و بی‌سرپرست، نوزادان،

مادران و...) و برای کودکان بی سرپرست نیز از شاخص درصد کودکان بی سرپرست زیر پوشش حمایت‌های سازمان‌های حمایتی استفاده کرد.

تعدی به حقوق شخصی و اجتماعی و اموال همگانی ظلم است. بر این پایه اعمال خشونت علیه افراد، ربا، غصب، رشوه، اختلاس، دزدی، قمار، سوءاستفاده از موقعیت، تصرف زمین‌های همگانی، اماکن فساد و مانند اینها فساد به‌شمار می‌آیند که برای نشان دادن آن می‌توان شاخص‌های فساد اجتماعی و فساد اداری را به‌کار برد.

افزون بر این، شاخص‌هایی مانند نرخ طلاق، درصد خانواده‌های تک‌نفره و سن ازدواج می‌تواند نشانه اندازه تحقق حق برخورداری از خانواده مستحکم باشد. همچنین شاخص‌های توانمندسازی جنسیتی و توسعه جنسیتی می‌تواند نشانه زمینه مساعد برای رشد شخصیت زن و حمایت از زنان باشد.

۴-۴. شاخص‌های عدالت سیاسی

آزادی و حق تعیین سرنوشت از حقوق پایه‌ای انسان‌ها است که می‌توان برای آن از شاخص‌های آزادی سیاسی، ثبات سیاسی، آزادی مطبوعات و نرخ مشارکت مردم در انتخابات استفاده کرد.

۴-۵. عدالت حقوقی-قضایی

شاخص‌های فساد اداری، نظام و قانونمندی، کیفیت مقررات، یکسانی دادگاه‌ها، برابری همه در برابر دادگاه، دسترسی همگانی به دادگاه، داشتن وکیل و امنیت قضایی می‌تواند نشان‌دهنده عدالت حقوقی-قضایی یادشده در قانون اساسی باشد.

۵. پیمایش برای ارزیابی شاخه‌های عدالت و وزن‌دهی به اجزای شاخص ترکیبی

تلاش کردیم برپایه اصل‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حقوق اجتماعی مردم را که باید به آنها داده شود، ارائه کنیم و برپایه تعریف عدالت اجتماعی به‌معنای «دادن حق هر صاحب حقی به او» این حقوق را پایه عدالت اجتماعی بدانیم. این حقوق بسیار گسترده هستند. برای بهره‌گیری بهتر از مفهوم این حق‌ها تلاش کردیم آنها را دسته‌بندی و در چارچوب ۷ شاخه عدالت از هم جدا کنیم که

این ۷ شاخه عدالت چنین هستند:

۱. عدالت به معنای برابری در همه جا (نبودن تبعیض)؛
۲. عدالت اقتصادی (عدالت به معنای برپایی رفاه همگانی)؛
۳. عدالت آموزشی؛
۴. عدالت بیمه‌ای؛
۵. سلامت اجتماعی؛
۶. عدالت سیاسی؛
۷. عدالت حقوقی-قضایی.

همه حقوق مشخص شده از قانون اساسی در اینجا، ۳۶ حق است که هر یک از این ۷ شاخه دربرگیرنده ۳ تا ۹ حق از ۳۶ حق یادشده است. پس از انجام پیمایش و برپایه پیشنهاد پاسخ‌گویان، ۳ شاخه عدالت آموزشی، عدالت بیمه‌ای و سلامت اجتماعی و اداری با هم یکی شدند و با عنوان شاخه عدالت اجتماعی وارد شدند. از این پس تحلیل بر این پایه انجام می‌شود. برای تشخیص درستی گزینش این شاخه‌ها و حقوق در نظر گرفته شده در زیر هر شاخه و همچنین امتیازدهی به آنها یک پیمایش از ۱۵ تن از صاحب‌نظران انجام شد. این پیمایش دو بخش داشته است. یک بخش برای امتیازدهی به ۷ زیرشاخه عدالت و بخش دوم برای گزینش شاخص مناسب و امتیازدهی به ۳۶ حق در نظر گرفته شده در زیر این شاخه‌های عدالت.

در بخش نخست یک جدول با ۷ سطر و ۳ ستون در نظر گرفته شد که در ستون نخست جدول، ردیف و در ستون دوم، شاخه عدالت تعیین شده قانون اساسی آورده شده است. ستون سوم جای نظر پاسخ‌گویان (صاحب‌نظران) درباره اهمیت و ارزش نسبی هر یک از این ۷ شاخه است. از پاسخ‌گویان خواسته شده است، به این ۷ شاخه عدالت، به ترتیب اهمیت و ارزش آن (در ترکیب برای ساختن شاخص ترکیبی از ۷ گروه) رتبه ۱ تا ۷ بدهند؛ به گونه‌ای که شماره ۱ گویای بیشترین سهم و اهمیت و شماره بالاتر، گویای اهمیت و ارزش کمتر باشد.

در بخش دوم ۵ ستون برای ۳۶ سطر (هر سطر یک حق) در نظر گرفته شد که در ستون نخست، ردیف آورده شده است، در ستون ۲ زیرشاخه عدالت، در ستون

۳ حق تعیین شده (مستند متن ماده - بند) قانون اساسی آورده شده است. ستون ۴ جای نظر درباره پرسش است.

از پاسخ‌گویان خواسته شده است نخست در هر شاخه یکی از این حقوق را به‌عنوان مهم‌ترین حق مردم که بیشترین عامل برپایی عدالت است، مشخص کنند و به آن نمره ۱۰۰ بدهند. سپس دیگر حقوق آن شاخه را به تناسب آن نمره‌ای بدهند که نشان‌دهنده نسبت اهمیت آن به ۱۰۰ (مهم‌ترین عامل) باشد. سپس به همین ترتیب زیرشاخه‌های دیگر را نیز نمره‌دهی کنند. ستون ۵ یک یا چند شاخص را که داده‌های آن در دسترس است پیشنهاد کرده است که نشان‌دهنده برپایی حق یادشده باشد. در مقابل هر شاخص یک □ جای داده شده است. پاسخ‌گویان هر شاخصی را که برای نشان دادن حق تعیین شده در ستون ۳ مناسب تشخیص می‌دهند، با علامت مشخص کنند. همچنین از پاسخ‌گویان خواسته شده است چنانچه شاخص دیگری را برای این کار مناسب می‌دانند به‌عنوان مکمل در ستون ۶ و به‌عنوان جایگزین در ستون ۷ پیشنهاد کنند.

۱-۵. نتیجه بخش نخست پیمایش: ارزیابی شاخه‌های عدالت

در بخش نخست پیمایش، ۱۰ تن از پاسخ‌گویان پرسش‌نامه را کامل کرده‌اند. پس از انجام پیمایش و برپایه پیشنهاد پاسخ‌گویان، ۳ شاخه عدالت آموزشی، عدالت بیمه‌ای و سلامت اجتماعی و اداری با هم یکی شدند و با عنوان شاخه عدالت اجتماعی وارد شدند. از این پس تحلیل بر این پایه انجام می‌شود. برای جلوگیری از ناهماهنگی بین پاسخ‌ها و نمره‌ها از همان پایه شماره‌های ۱ تا ۷ استفاده می‌شود.

در نمره‌های داده‌شده کمترین نمره برای همه زیرشاخه‌ها برابر ۱ است. یعنی هر شاخه‌ای از این ۵ شاخه دست‌کم از نظر یکی از پاسخ‌گویان بیشترین اهمیت را داشته است. در برابر، بیشترین نمره که نشانه کمترین اهمیت است، چنین نبوده است. دامنه بیشترین نمره پاسخ‌گویان به هر شاخه از این ۵ شاخه از نمره ۳ تا نمره ۵ بوده است. بیشترین نمره پاسخ‌گویان به عدالت قضایی و عدالت اقتصادی از ۳ بیشتر نشده است، اما برای دیگر شاخه‌ها بیشتر شده و برای شاخه عدالت در آموزش و تبعیض به ۷ نیز رسیده است.



میانگین نمره‌های داده‌شده از سوی پاسخ‌گویان نیز نشان می‌دهد بالاترین رتبه این شاخه‌ها برای عدالت قضایی (۱/۸)، عدالت اقتصادی (۲)، عدالت سیاسی (۲/۸) و عدالت به‌معنای نبود تبعیض (۲/۹) است. پایین‌ترین رتبه نیز با نمره ۳/۴ برای عدالت بیمه‌ای، عدالت در آموزش و عدالت سلامت اجتماعی و اداری است. گفتنی است که در اینجا برای روا شدن (روایی) مؤلفه‌ها، کوشش شده است آنها از قانون اساسی بیرون آورده شوند. برای بررسی پایایی نیز از آلفای کرونباخ کمک گرفته شد که آماره ۰/۷۲ به‌دست آمد که پذیرفتنی است.

۲-۵. نتیجه بخش دوم پیمایش: وزن‌دهی به زیرشاخص‌ها یا اجزای شاخص ترکیبی بخش دوم پیمایش نیز مانند بخش نخست انجام شد. در اینجا افزون‌بر اینکه این نمره‌دهی‌ها انجام شد، برخی از پاسخ‌گویان درباره سنجه‌های پیشنهادی دیدگاه‌های ویژه‌ای داشتند که برخی از شاخص‌های پیشنهادی آنها برای کار، خوب بوده است. گفتنی است که در اینجا چون مؤلفه‌ها از قانون اساسی بیرون آورده شده‌اند، روایی آنها پذیرفته شده دانسته می‌شود. برای بررسی پایایی نیز از آلفای کرونباخ یاری گرفته شد که این آماره ۰/۵۲ به‌دست آمد که پذیرفتنی نیست. بر این پایه ما ضریب‌های زیر مؤلفه‌های زیرشاخص‌ها را نپذیرفتیم. بر این پایه و چون با این پیشنهادها در شاخص‌های پیشنهادی تغییر ایجاد می‌شود و از نگاه قانون اساسی دور می‌شدیم، همچنین برای برخی از زیرشاخص‌ها داده مناسب در دسترس نیست، وزن زیرشاخص‌ها را برابر گرفته‌ایم.

۶. ارائه شاخص ترکیبی

برپایه بررسی‌های این پژوهش و آنچه تا اینجا نوشته شد، در این بررسی پیشنهاد ما برای نشان دادن عدالت از دیدگاه قانون اساسی کشور، به‌کارگیری یک شاخص ترکیبی دارای ۵ شاخه پایه‌ای و در مجموع ۲۱ زیرشاخص است که در زیر آورده شده است. یادآوری می‌شود که با توجه به اینکه دیدگاه پاسخ‌گویان درباره زیرشاخص‌ها همگرا نبوده است و نیز برای برخی از زیرشاخص‌های پیشنهادی داده‌ای یافت نشد، برای زیرشاخص‌ها وزن برابر در نظر گرفته شده است. اما برای شاخه‌ها نمره یا وزن پاسخ‌گویان به‌کار رفته است.

جدول شماره (۱). شاخه‌های عدالت و وزن هریک در شناخت شاخص ترکیبی

۱	۲	۳
شماره	شاخه عدالت	وزن شاخه
۱	عدالت به معنای برابری	۱۸/۲
۲	عدالت اقتصادی	۲۲/۷
۳	عدالت اجتماعی	۱۶/۴
۴	عدالت سیاسی	۱۹/۱
۵	عدالت حقوقی قضایی	۲۳/۶

جدول شماره (۲). شاخه‌های عدالت و زیرشاخص‌های شاخص ترکیبی

۱	۲	۳
شماره	شاخه عدالت	زیرشاخص
۱	عدالت به معنای برابری	تأبری جنسیتی
۲		تبعیض بین منطقه‌ای
۱	عدالت اقتصادی	توسعه انسانی
۲		نرخ بیکاری (م.آمار)
۳		تورم
۴		آزادی اقتصادی
۵		شاخص فقر انسانی
۱	عدالت اجتماعی	شاخص آموزش برنامه توسعه ملل متحد
۲		نسبت بیمه‌شدگان به کل جمعیت
۳		امنیت اقتصادی
۴		درصد خانوارهای تک‌نفره
۵		کودکان بی سرپرست زیر پوشش سازمان‌های حمایتی
۶		شمار جرم‌ها در کشور
۲	عدالت سیاسی	حق اعتراض مردم و پاسخ‌گویی حکومت
۳		آزادی مطبوعات
۳		نرخ مشارکت در انتخابات
۲	عدالت حقوقی قضایی	ثبات سیاسی
۲		کنترل فساد
۲		نظام حقوقی و حقوق مالکیت
۲		نقش قانون
		کیفیت مقررات

۷. محاسبه زیرشاخص‌ها و شاخص‌های هریک از ابعاد عدالت اجتماعی در

طول ۸ سال گذشته

شاخص‌هایی که در اینجا برای ترکیب و ساختن شاخص ترکیبی به کار گرفته شده است، گسترده و گوناگون هستند. داده‌های آنها نیز گوناگون است. ما کوشش کردیم داده‌های آنها را بر پایه منبع ساخت و انتشار شناسایی کرده و از این منبع‌ها



گردآوری کنیم. تلاش شده است چنانچه شاخصی از سوی ایرانیان ساخته و ارائه شده باشد، این شاخص و نیز داده‌هایی که از سوی نهادهای رسمی ساخته می‌شود به کار برده شوند.

بر این پایه داده‌های شاخص‌ها، گردآوری و با روش یادشده، اندازه‌گیری شد. اندازه زیرشاخص‌ها و شاخص‌های شاخه‌های عدالت و اجزای آنها برای سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ در گزارش پژوهش آورده شده است. در این اندازه‌گیری سال ۱۳۸۳ سال پایه قرار گرفته است و شاخص سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ به دو صورت اندازه‌گیری شده است. یکی شاخص بر پایه سال پایه ۱۳۸۳ است و اندازه هر زیرشاخص برای این سال برابر ۱۰۰ قرار گرفته است و سال‌های دیگر برپایه این اندازه (۱۰۰) بازاندازه‌گیری شده‌اند (سطرهای الف در جدول ۳). اندازه‌گیری دیگر برپایه شاخص تغییرات است که درصد تغییر هر زیرشاخص اندازه‌گیری شده است تا تغییرات و کاهش و افزایش هر زیرشاخص نیز روشن شود (سطرهای پ در جدول ۳). این دو شاخص با نام شاخص سال پایه ۱۰۰ و شاخص تغییرات آورده شده‌اند. در ساختن این دو شاخص ترکیبی برای هر شاخه از عدالت، وزن زیرشاخص‌ها برابر در نظر گرفته شده است و با میانگین‌گیری از آنها شاخص عدالت در هر شاخه ساخته شده است و در دو سطر پایانی، ردیف هر شاخه آورده شده است. همین دو شاخص یک‌بار نیز با وزن‌دهی برپایه پیمایش انجام‌شده، ساخته شده‌اند و در سطرهای ب و ت جدول آورده شده‌اند.

شاخص‌هایی که در اینجا برای ترکیب و ساختن شاخص ترکیبی به کار گرفته شده است، گسترده هستند و گوناگونی بسیاری دارند. بر این پایه داده‌های آنها نیز گوناگون است. بسیاری از آنها شاخص‌هایی هستند که داده‌های آن از سوی نهادهای ایرانی و جهانی گردآوری و ساخته می‌شود. کوشش کردیم داده‌های آنها را برپایه منبع ساخت و انتشار آن شناسایی کنیم و آنها را از این منبع‌ها گردآوری کنیم. کوشش شده است چنانچه در زمینه‌ای شاخصی از سوی ایرانیان ساخته شده باشد این شاخص و نیز داده‌هایی که از سوی نهادهای رسمی ساخته می‌شود به کار برده شود. منبع داده‌های شاخص‌ها و داده‌های پایه‌ای آنها در جدول شماره (۳) آورده شده‌اند.

بر این پایه داده‌های شاخص‌ها گردآوری شد و با روش یادشده، اندازه‌گیری شد. اندازه زیرشاخص‌های و شاخص‌های شاخه‌های عدالت و اجزای آنها برای سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ در جدول شماره (۴) آورده شده است. در این اندازه‌گیری سال ۱۳۸۳ سال پایه گرفته است و شاخص سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ به دو روش اندازه‌گیری شده است. یکی شاخص برپایه سال پایه که سال ۱۳۸۳ است و اندازه هر زیرشاخص برای این سال برابر ۱۰۰ گذاشته شده است و سال‌های دیگر برپایه این اندازه (۱۰۰) بازاندازه‌گیری شده‌اند. اندازه‌گیری دیگر برپایه شاخص تغییرها است که درصد تغییر هر زیرشاخص اندازه‌گیری شده است تا تغییرها و کاهش و افزایش هر زیرشاخص نیز روشن شود. این دو شاخص با نام شاخص سال پایه ۱۰۰ و شاخص تغییرها آورده شده‌اند. در ساختن شاخص ترکیبی برای هر شاخه از عدالت، وزن زیرشاخص‌ها برابر دیده شده است و با میانگین‌گیری از آنها شاخص عدالت در هر شاخه ساخته شده است و در دو سطر پایانی ردیف هر شاخه آورده شده است.

جدول شماره (۳). منبع داده‌ها

شاخص	منبع
نرخ تورم	مرکز آمار ایران شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی
شاخص توسعه انسانی	گزارش توسعه انسانی
نسبت بیمه‌شدگان به کل جمعیت	مرکز آمار ایران، سالنامه آماری
امنیت اقتصادی	گزارش آماری سالیانه بانک جهانی
حق اعتراض مردم و پاسخ‌گویی حکومت	شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر (سال‌های مختلف)
نظام حقوقی و حقوق مالکیت	شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر (سال‌های مختلف)
کیفیت مقررات	گزارش آماری سالیانه بانک جهانی
کنترل فساد	گزارش آماری سالیانه بانک جهانی
آزادی اقتصادی ۶/۲۱	شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر (سال‌های مختلف)
نقش قانون	شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر (سال‌های مختلف)
نرخ بیکاری	نرخ بیکاری مرکز آمار ایران، سالنامه آماری
مشارکت در انتخابات	نرخ مشارکت در انتخابات مرکز آمار ایران، سالنامه آماری
شاخص تبعیض جنسیتی	شاخص تبعیض جنسیتی گزارش توسعه انسانی سازمان ملل
شاخص فقر انسانی	شاخص فقر انسانی گزارش توسعه انسانی سازمان ملل
شاخص آزادی حقوق مالکیت	شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر (سال‌های مختلف)
شاخص آموزش برنامه ملل متحد	شاخص آموزش گزارش توسعه انسانی
درصد کودکان بی‌سرپرست زیر پوشش حمایت‌های سازمان‌های حمایتی	درصد کودکان بی‌سرپرست از مرکز آمار ایران، سالنامه آماری
ثبات سیاسی	ثبات سیاسی از The Global Innovation Index
آزادی مطبوعات	آزادی مطبوعات از The Global Innovation Index
درصد خانوارهای تک‌نفره	مرکز آمار ایران سالنامه آماری
تبعیض بین منطقه‌ای	شاخص تبعیض بین منطقه‌ای در ایران (عزتی، ۱۳۹۱)
جرم‌ها	تعداد جرم‌های حکم‌داده‌شده گرفته‌شده از قوه قضائیه

جدول شماره (۴) شاخص‌های زیرشاخه‌های عدالت

شماره	شاخه عدالت	۳	۴	۵									
				میانگین تغییرها	سال								
		حق تعیین شده در قانون اساسی	شاخص	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰		
۱	عدالت به معنای برابری (نبودن تبعیض)	رفع تبعیض. برابری همه در برابر قانون. برابری حقوق زن و مرد. برابری قومی، نژادی، زبانی و مانند اینها. برخورداری از مقررات مذهبی در مناطق برای اقلیت‌ها. نبودن تبعیض بین مناطق در تخصیص بودجه.	نابرابری جنسیتی	۰/۵۷	۰/۴۹	۰/۴۸	۰/۴۷	۰/۴۶	۰/۴۷	۰/۴۷	۰/۴۷	۰/۴۸	
			شاخص منفی	۱۰۰	۸۶	۸۴	۸۲	۸۱	۸۲	۸۲	۸۲	۸۴	
			شاخص سال پایه ۱۰۰	۱۰۰	۱۱۶	۱۱۹	۱۲۱	۱۲۴	۱۲۱	۱۲۱	۱۲۱	۱۲۱	۱۱۹
			شاخص تغییرها	۱۴	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲/۲۹
			تبعیض بین منطقه‌ای	۰/۱۲۸	۰/۱۰۴	۰/۱۱۰	۰/۱۳۵	۰/۱۱۴	۰/۱۱۴	۰/۱۱۴	۰/۱۱۴	۰/۱۱۴	۰/۱۱۶
			شاخص منفی	۱۰۰	۸۱	۸۶	۱۰۵	۸۹	۸۹	۸۹	۸۹	۸۹	۹۱
			شاخص سال پایه ۱۰۰	۱۰۰	۱۲۳	۱۱۶	۹۵	۱۱۲	۱۱۲	۱۱۲	۱۱۲	۱۱۲	۱۱۰
			شاخص تغییرها	۱۹	-۶	-۲۲	۱۵	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	۳۲	-۵۱
		شاخص سال پایه ۱۰۰ میانگین	۱۰۰	۱۱۹/۵	۱۱۷/۵	۱۰۸	۱۱۸	۱۱۶/۵	۱۴۳/۵	۱۱۴/۵	-۱/۸۶		
		شاخص تغییرها میانگین	۱۶/۵	-۲	-۲	۸/۵	-۱	۱۶	-۲۶/۵	۰/۲			
۲	عدالت اقتصادی	اقتصاد سالم عمومی. رفاه و رفع فقر. برطرف کردن محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و داشتن شغل و آزادی شغل و مسکن. حق مالکیت بر درآمد و دارایی.	توسعه انسانی	۰/۶۷	۰/۶۷	۰/۶۴۸	۰/۶۹۴	۰/۶۹۹	۰/۷۰۶	۰/۷۴۰	۰/۷۴۲		
			شاخص سال پایه ۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۲	۱۰۴	۱۰۴	۱۰۵	۱۱۰	۱۱۰		
			شاخص تغییرها	۰/۰	۲	۲	۰	۱	۵	۰/۰	۱/۴۳		
			نرخ بیکاری (م.آمار)	۱۱/۵	۱۱/۳	۱۰/۵	۱۰/۴	۱۱/۹	۱۳/۵	۱۳/۳	۱۳/۳		
			شاخص منفی	۱۰۰	۱۱۲	۱۱۰	۱۰۲	۱۰۱	۱۱۶	۱۳۱	۱۱۹		
			شاخص سال پایه ۱۰۰	۱۰۰	۹۰	۹۱	۹۸	۹۹	۸۷	۷۶	۸۴		
			شاخص تغییرها	-۱۲	۲	۷	۱	-۱۴	-۱۳	۹	-۲/۸۶		
			تورم	۱۴/۶	۱۲/۱	۱۳/۷	۱۷/۲	۲۵/۷	۹/۴	۱۳/۸	۲۶/۴		
		شاخص منفی	۱۰۰	۸۳	۹۴	۱۱۸	۱۷۶	۶۴	۹۵	۱۸۱			

	۵۵	۱۰۶	۱۵۵	۵۷	۸۳	۱۰۷	۱۲۱	۱۰۰	شاخص سال پایه ۱۰۰				
	-۲۰/۸۶	-۹۱	-۴۷	۶۳	-۴۹	-۲۶	-۱۳	۱۷	شاخص تغییرها				
		۶/۴۳	۶/۴۹	۶/۴۱	۶/۳۱	۶/۲۹	۶/۳۴	۶/۴۷	آزادی اقتصادی		۴		
		۱۰۱	۱۰۲	۱۰۱	۹۹	۹۹	۱۰۰	۱۰۲	شاخص سال پایه ۱۰۰				
	-۰/۱۴	-۱	۱	۲	۰	-۱	-۲	۲	شاخص تغییرها				
		۱۳/۱۹	۱۳/۱۰	۱۲/۸۰	۱۲/۹۰	۱۲/۹۰	۱۶/۴۰	۱۶/۴۰	فقر انسانی		۵		
		۸۰	۸۰	۷۸	۷۸	۷۸	۱۰۰	۱۰۰	شاخص منفی				
		۱۲۴	۱۲۵	۱۲۸	۱۲۷	۱۲۷	۱۰۰	۱۰۰	شاخص سال پایه ۱۰۰				
	-۰/۱۱	-۱	-۲	-۰/۰	-۰/۰	۲۲	-۰/۰	-۰/۰	شاخص تغییرها				
		۹۴/۸	۱۰۳/۸	۱۱۵/۲	۹۷/۲	۱۰۲/۲	۱۰۰	۱۰۲/۶	شاخص سال پایه ۱۰۰ میانگین				
	-۴	-۱۷/۶	-۱۱/۲	۱۰/۴	-۹/۶	-۰/۸	-۲/۲	۱/۴	شاخص تغییرها میانگین				
		-۰/۶۵	-۰/۶۴	-۰/۶۴	-۰/۶۳	-۰/۶۲	-۰/۶۲	-۰/۶۲	آموزش برنامه توسعه ملل متحد	آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان و تسهیل و تعمیم آموزش عالی. تعمیم بیمه و تأمین اجتماعی برای بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث، سوانح، خدمات بهداشتی، درمانی و مراقبت‌های پزشکی (برای همه). بیمه بیوگان و زنان سال خورده و بی سرپرست. حمایت از کودکان بی سرپرست.	عدالت اجتماعی	۱	
		۱۱۲	۱۱۰	۱۱۰	۱۰۹	۱۰۷	۱۰۷	۱۰۷	شاخص سال پایه ۱۰۰				
	۱/۸۶	۲	۰	۲	۲	۰	۰	۷	شاخص تغییرها				
		-۰/۴۶	-۰/۴۳	-۰/۴۲	-۰/۴۰	-۰/۳۹	-۰/۳۸	-۰/۳۷	نسبت بیمه شدگان به جمعیت			۲	
		۱۲۴	۱۱۶	۱۱۴	۱۰۸	۱۰۵	۱۰۳	۱۰۰	شاخص سال پایه ۱۰۰				
		۳/۱۴	۷	۲	۵	۳	۲	۳	شاخص تغییرها				
		۱/۹۰	۱/۹۶	۲/۰۰	۱/۶۰	۱/۹۰	۱/۴۰	۱/۷۰	امنیت اقتصادی			۳	
		۸۳	۸۵	۸۷	۷۰	۸۳	۶۱	۷۴	شاخص سال پایه ۱۰۰				
	-۲/۰	-۳	-۲	۲۵	-۱۶	۳۶	-۲۸	-۲۶	شاخص تغییرها				
		-۰/۰۶۰	-۰/۰۵۸	-۰/۰۵۶	-۰/۰۵۴	-۰/۰۵۲	-۰/۰۵۰	-۰/۰۴۸	درصد خانوارهای تک نفره	مصونیت حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص. مبارزه با فساد و تباهی. نظام اداری سالم.		۴	
		۱۳۰	۱۲۶	۱۲۲	۱۱۷	۱۱۳	۱۰۹	۱۰۴	شاخص منفی				
		۷۷	۷۹	۸۲	۸۵	۸۸	۹۲	۹۶	شاخص سال پایه ۱۰۰				
	-۴	-۴	-۴	-۴	-۴	-۴	-۴	-۴	شاخص تغییرها				
		-۰/۰۰۰۳	-۰/۰۰۰۳	-۰/۰۰۰۲	-۰/۰۰۰۲	-۰/۰۰۰۱	-۰/۰۰۰۱	-۰/۰۰۰۱	کودکان بی سرپرست زیر پوشش سازمان‌های حمایتی	جلوگیری از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقعیت، تصرف زمین‌های عمومی، اماکن فساد. داشتن محیط		۵	

	۳۰۰	۲۷۵	۲۵۰	۲۰۰	۱۷۵	۱۵۰	۱۲۵	۱۰۰	شاخص سال پایه ۱۰۰	مساعد برای رشد فضایل اخلاقی. داشتن و استحکام خانواده. ایجاد زمینه مساعد برای رشد شخصیت زن حمایت از مادران. برادری اسلامی و تعاون عمومی.	۶
۱۹/۷۱	۱۷	۲۰	۲۵	۱۴	۱۷	۲۰	۲۵		شاخص تغییرها		
	۹۱۲	۸۷۶	۷۲۰			۶۱۶	۶۱۱	۶۰۰	شمار جرمها در کشور		
	۱۵۲	۱۴۶	۱۲۰	۱۱۲	۱۰۷	۱۰۳	۱۰۲	۱۰۰	شاخص منفی		
	۶۶	۶۸	۸۳	۸۹	۹۳	۹۷	۹۸	۱۰۰	شاخص سال پایه ۱۰۰		
-۴/۸۶	-۲	-۱۵	-۶	-۴	-۴	-۱	-۲		شاخص تغییرها		
	۱۲۷	۱۲۲	۱۲۱	۱۱۰	۱۰۸	۱۰۲	۱۰۰	۱۰۰	میانگین شاخص سال پایه ۱۰۰		
۳/۵۷	۴	۱	۱۰	۲	۶	۲	۰		میانگین شاخص تغییرها		
	-۱/۵۵	-۱/۵۶	-۱/۵۳	-۱/۵۳	-۱/۵۳	-۱/۴۸	-۱/۳۰	-۱/۲۳	حق اعتراض مردم و پاسخگویی حکومت	محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی. تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی. آزادی رسانه‌ها (مطبوعات و نشریات). مشارکت همه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. حق بالا بردن آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با به کارگیری رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر.	۱ سیاسی عدالت
	۱/۰۵	۱/۰۴	۱/۰۷	۱/۰۷	۱/۰۷	۱/۰۲	۱/۲۰	۱/۲۷	حق اعتراض مردم و پاسخگویی حکومت +۲,۵		
	۸۳	۸۲	۸۴	۸۴	۸۴	۸۰	۹۴	۱۰۰	شاخص سال پایه ۱۰۰		
-۲/۵۷	۱	-۳	۰	۰	۵	-۱۵	-۶		شاخص تغییرها		
	۹۰/۰۰	۱۳۶/۶۰	۹۴/۵۶						آزادی مطبوعات		
								۱۰۰	شاخص سال پایه ۱۰۰		
									شاخص تغییرها		
	۷۶	۷۸	۸۰	۷۵	۷۰	۶۵	۶۰	۶۵	نرخ مشارکت در انتخابات		
	۱۱۷	۱۲۰	۱۲۳	۱۱۵	۱۰۸	۱۰۰	۹۲	۱۰۰	شاخص سال پایه ۱۰۰		
۲/۴۳	-۳	-۲	۷	۷	۸	۸	-۸		شاخص تغییرها		
	-۱/۴۵	-۱/۵۸	-۱/۵۲	-۱/۰۴	-۱/۰۵	-۱/۱۵	-۰/۸۳	-۰/۸۰	ثبات سیاسی		
	۱/۰۵	۰/۹۲	۰/۹۸	۱/۴۶	۱/۴۵	۱/۳۵	۱/۶۷	۱/۷	ثبات سیاسی +۲,۵		
	۶۲	۵۴	۵۸	۸۶	۸۵	۷۹	۹۸	۱۰۰	شاخص سال پایه ۱۰۰		
-۵/۵۷	۱۳	-۶	-۳۳	۱	۷	-۱۹	-۲		شاخص تغییرها		
	۸۷	۸۵	۸۸	۹۵	۹۲	۸۶	۹۵	۱۰۰	میانگین شاخص سال پایه ۱۰۰		

شاخص تغییرها میانگین										تأمین حقوق همه جانبه افراد و امنیت قضایی عادلانہ دسترسی به دادگاه، داشتن وکیل، دادگاه خانواده	عدالت حقوقی قضایی	
۱/۸۱	۴	-۴	-۸/۷	۳	۷	-۸/۷	-۵/۳					
										کنترل فساد	۱	
	-۰/۹۱	-۰/۹۲	-۰/۷۸	-۰/۷۱	-۰/۴۶	-۰/۴۸	-۰/۴۴	-۰/۴۲	۲/۰۸	کنترل فساد +۲,۵		
	۱/۵۹	۱/۵۸	۱/۷۲	۱/۷۹	۲/۰۴	۲/۰۲	۲/۰۶	۲/۰۸	۱۰۰	شاخص سال پایه ۱۰۰		
	۷۶	۷۶	۸۳	۸۶	۹۸	۹۷	۹۹	۱۰۰		شاخص تغییرها		
	-۳/۵۷	۱	-۸	-۴	-۱۲	۱	-۲	-۱		نظام حقوقی و حقوق مالکیت		۲
		۵/۷۴	۵/۷۶	۵/۷۸	۵/۸۰	۶/۱۲	۶/۱۰	۶/۱۱	۶/۵۰	شاخص سال پایه ۱۰۰		
		۸۸	۸۹	۸۹	۸۹	۹۴	۹۴	۹۴	۱۰۰	شاخص تغییرها		
	-۱/۷۱	-۱	۰	۰	-۵	۰	۰	-۶		نقش قانون		۳
		-۰/۹۰	-۰/۹۲	-۰/۸۹	-۰/۸۲	-۰/۸۹	-۰/۸۶	-۰/۷۷	-۰/۶۳	نقش قانون +۲,۵		
		۱/۶۰	۱/۵۸	۱/۶۱	۱/۶۸	۱/۶۱	۱/۶۴	۱/۷۳	۱/۸۷	۱۰۰		شاخص سال پایه ۱۰۰
		۸۶	۸۴	۸۶	۹۰	۸۶	۸۸	۹۳	۱۰۰	شاخص تغییرها		
	-۲/۱۴	۱	-۲	-۴	۴	-۲	-۵	-۷		کیفیت مقررات		۴
		-۱/۶۸	-۱/۶۹	-۱/۷۳	-۱/۶۱	-۱/۵۶	-۱/۴۶	-۱/۲۸	-۱/۲۶	کیفیت مقررات +۲,۵		
		-۰/۸۲	-۰/۸۱	-۰/۷۷	-۰/۸۹	-۰/۹۴	۱/۰۴	۱/۲۲	۱/۲۴	۱۰۰		شاخص سال پایه ۱۰۰
		۶۶	۶۵	۶۲	۶۶	۷۶	۸۴	۹۸	۱۰۰	شاخص تغییرها		
	-۵/۴۳	۱	۵	-۱۳	-۶	-۸	-۱۵	-۲		شاخص سال پایه ۱۰۰ میانگین		
		۷۹	۷۸/۵	۸۰	۸۲/۸	۸۸/۵	۹۰/۸	۹۶	۱۰۰	شاخص تغییرها میانگین		
	-۳/۲	۰/۵	-۱/۲	-۵/۲	-۴/۸	-۲/۲	-۵/۵	-۴				

۸. جمع‌بندی روند شاخص‌های عدالت

زیرشاخص‌های اندازه‌گیری شده عدالت روندهای گوناگونی داشته‌اند. هر شاخص نیز در برخی سال‌ها کاهش و در برخی سال‌ها افزایش یافته است. اندازه و تغییرهای این شاخص‌ها در جدول شماره (۴) آورده شد. شاخص‌های ترکیبی برای شاخه‌های پنج‌گانه عدالت نیز روندهای ناهمسان و گوناگونی داشته‌اند. تغییرهای این شاخص‌ها و روند آن در زیر جمع‌بندی می‌شود.

- شاخص ترکیبی عدالت به معنای برابری و نبودن تبعیض برای ایران، روند روبه‌بهبودی داشته است و میانگین تغییرهای سالیانه آن ۰/۲۱ درصد بهبودی را نشان می‌دهد.

- شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی برای ایران، روند پس‌رفت داشته است و میانگین تغییرهای سالیانه آن ۴ درصد بدتر شدن را نشان می‌دهد.

- شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی برای ایران روند روبه‌بهبود داشته است و میانگین تغییرهای سالیانه آن ۳/۵۷ درصد بهبودی را نشان می‌دهد.

- شاخص ترکیبی عدالت سیاسی برای ایران روند پس‌رفت داشته است و میانگین تغییرهای سالیانه آن ۱/۸۱ درصد بدتر شدن را نشان می‌دهد.

- شاخص ترکیبی عدالت حقوقی و قضایی برای ایران روند پس‌رفت داشته است و میانگین تغییرهای سالیانه آن ۳/۲ درصد بدتر شدن را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

پس از استخراج اجزای مفهومی عدالت براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، این اجزا به وسیله یک پیمایش بین نخبگان منتخب ارزیابی شد و پس از جمع‌بندی نتایج پیمایش اول، برای وزن‌دهی بین اجزای مختلف شاخص نیز از پرسش‌نامه و پیمایش دوباره بین این افراد استفاده شد تا ترکیب، برپایه دیدگاه نخبگان به دست آید.

داده‌های آماری مورد نیاز برای اندازه‌گیری شاخص ترکیبی نیز شامل اطلاعات مختلفی می‌شود که اغلب از سوی مرکز آمار ایران یا بانک مرکزی در ایران و از سوی سازمان‌های جهانی گردآوری و در منابع منتشرشده توسط این نهادها درج

شده‌اند. در بخش اندازه‌گیری و بررسی شاخص‌ها، پس از جمع‌آوری داده‌ها و محاسبه شاخص‌ها، بررسی اولیه آماری با روش‌های آماری توصیفی انجام شده است. خلاصه شاخص ترکیبی عدالت و داده‌های آن در جدول شماره (۵) آورده شده است. به‌طورکلی از ۵ شاخص ترکیبی ساده و وزنی پایه ۱۰۰ و ساده و وزنی تغییرات، ۳ شاخص، اندکی بدتر شدن وضعیت را نشان می‌دهند و یک شاخص، اندکی بهبود را نشان می‌دهد. شاخص‌های ترکیبی تبعیض (برابری جنسیتی و تبعیض منطقه‌ای) اندکی بهبودی، عدالت اقتصادی، بدتر شدن، عدالت اجتماعی، اندکی بهبودی، عدالت سیاسی، بدتر شدن و عدالت قضایی هم بدتر شدن وضعیت را نشان می‌دهند. بر این پایه می‌توان گفت عدالت در سال‌هایی که در این بررسی آورده شده، بدتر شده است و کشور ما از راهی که در قانون اساسی و آرمان‌های نظام بر آن تأکید شده، دور شده است. این درحالی است که بسیاری از منابع مالی و اقتصادی مانند درآمد نفت در این سال‌ها در اوج خود بوده است و هیچ‌گونه مانعی نیز در راه تحقق عدالت نبوده است. اینکه چه چیزی باعث این گسترش بی‌عدالتی شده است، جای بررسی دارد، ولی این‌گونه شاخص‌ها که از مؤلفه‌های گوناگون ساخته شده و داده‌های گوناگونی هم در آن به‌کار رفته است، نشان‌دهنده جهت‌گیری‌ها و کلیت سیاست‌ها و کارکردهایی است که در این دوره از سوی دولت اجرا شده است.

جدول شماره (۵). شاخص‌های شاخه‌های پنج‌گانه و شاخص ترکیبی عدالت

ردیف	شاخه عدالت	ضریب (وزن)	اندازه شاخص ترکیبی عدالت							
			۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳
۱	عدالت به معنای نبودن تبعیض									
الف	میانگین شاخص سال پایه ۱۰۰	۱	۱۱۴/۵	۱۴۳/۵	۱۱۶/۵	۱۱۸	۱۰۸	۱۱۷/۵	۱۱۹/۵	۱۰۰
ب	میانگین شاخص سال پایه ۱۰۰ ضرب در وزن	۰.۱۸۲	۲۰/۸	۲۶/۱	۲۱/۲	۲۱/۵	۱۹/۷	۲۱/۴	۲۱/۷	
پ	میانگین شاخص تغییرات	۱	۰/۲۱	-۲۶/۵	۱۶	-۱	۸/۵	-۱۰	-۲	۱۶/۵
ت	میانگین شاخص تغییرات ضرب در وزن	۰.۱۸۲	۰/۰۱	-۴/۹	۲/۹	-۰/۲	۱/۵	-۱/۸	-۰/۴	۳
۲	عدالت اقتصادی									
الف	میانگین شاخص سال پایه ۱۰۰	۱	۹۵	۱۰۴	۱۱۵	۹۷	۱۰۲	۱۰۰	۱۰۳	۱۰۰
ب	میانگین شاخص سال پایه ۱۰۰ ضرب در وزن	۰.۲۲۷	۲۱/۶	۲۳/۶	۲۶/۱	۲۲	۲۳/۲	۲۲/۷	۲۳/۴	
پ	میانگین شاخص تغییرات	۱	-۴/۰	-۱۷/۶	-۱۱/۲	۱۰/۴	-۹/۶	-۱/۸	-۲/۲	۱/۴
ت	میانگین شاخص تغییرات ضرب در وزن	۰.۲۲۷	-۰/۰۹	-۴	-۲/۵	۲/۴	-۲/۲	-۰/۲	-۰/۵	۰/۳
۳	عدالت اجتماعی									
الف	میانگین شاخص سال پایه ۱۰۰	۱	۱۳۷	۱۳۲	۱۳۱	۱۱۰	۱۰۸	۱۰۲	۱۰۰	۱۰۰
ب	میانگین شاخص سال پایه ۱۰۰ ضرب در وزن	۰.۱۶۴	۲۰/۸	۲۰	۱۹/۸	۱۸	۱۸/۱	۱۶/۷	۱۶/۴	
پ	میانگین شاخص تغییرات	۱	۳/۵۷	۴	۱	۱۰	۲	۶	۲	-
ت	میانگین شاخص تغییرات ضرب در وزن	۰.۱۶۴	۰/۵۹	۰/۷	۰/۲	۱/۶	۰/۳	۱	۰/۳	-
۴	عدالت سیاسی									
الف	میانگین شاخص سال پایه ۱۰۰	۱	۸۷	۸۵	۸۸	۹۵	۹۲	۸۶	۹۵	۱۰۰
ب	میانگین شاخص سال پایه ۱۰۰ ضرب در وزن	۰.۱۹۱	۱۶/۶	۱۶/۲	۱۶/۸	۱۸/۱	۱۷/۶	۱۶/۴	۱۸/۱	
پ	میانگین شاخص تغییرات	۱	-۱/۸۱	۴	-۴	-۸/۷	۳	۷	-۸/۷	-۵/۳
ت	میانگین شاخص تغییرات ضرب در وزن	۰.۱۹۱	-۰/۰۷	۰/۸	-۰/۸	-۱/۷	۰/۶	۱/۳	-۱/۷	-۱
۵	عدالت حقوقی قضایی									
الف	میانگین شاخص سال پایه ۱۰۰	۱	۷۹	۷۸	۸۰	۸۳	۸۸	۹۱	۹۶	۱۰۰
ب	میانگین شاخص سال پایه ۱۰۰ ضرب در وزن	۰.۲۳۶	۱۸/۶	۱۸/۴	۱۸/۹	۱۹/۶	۲۰/۸	۲۱/۵	۲۲/۷	
پ	میانگین شاخص تغییرات	۱	-۳/۲	۰/۵	-۱/۲	-۵/۲	-۴/۸	-۲/۲	-۵/۵	-۴
ت	میانگین شاخص تغییرات ضرب در وزن	۰.۲۳۶	-۰/۷۴	۰/۱	-۰/۳	-۱/۲	-۱/۱	-۰/۵	-۱/۳	-۰/۹

	۵۰۲	۵۳۳	۵۲۰	۵۰۳	۴۹۸	۴۹۷	۵۱۴	۵۰۰	۱	شاخص ترکیبی عدالت جمع سال پایه ۱۰۰	
الف	۱۰۰/۴	۱۰۶/۶	۱۰۴	۱۰۰/۶	۹۹/۶	۹۹/۴	۱۰۲/۸	۱۰۰	۰/۲۰	شاخص ترکیبی عدالت میانگین ساده سال پایه ۱۰۰	
ب	۹۸/۴	۱۰۴/۳	۱۰۳/۷	۱۰۱/۷	۹۹/۸	۹۹/۴	۱۰۲/۷	۱۰۰		شاخص ترکیبی عدالت میانگین وزنی سال پایه ۱۰۰	
پ	-۱/۱۴	-۷/۱	-۱	۱/۱	-۰/۲	-۰/۵	-۳/۱	۱/۷	۱	شاخص ترکیبی عدالت میانگین ساده تغییرات	
ت	-۱/۲۹	-۷/۳	-۰/۵	-۰/۹	-۰/۲	-۳/۶	۱/۲			شاخص ترکیبی عدالت میانگین وزنی تغییرات	

منابع

الف - فارسی

- اخوان کاظمی، بهرام. ۱۳۷۹. «عدالت در اندیشه سیاسی غرب»، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، شماره ۱۵۴-۱۵۳.
- آرمان مهر، محمدرضا. ۱۳۹۰. *رالز-حکیمی*، قم: دلیل ما.
- دادگر، یداله. ۱۳۸۹. *تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی*، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- سمیونلز، وارن جی. و استیون جی. مدما. ۱۳۹۱. *تاریخ اندیشه‌های اقتصادی*، ترجمه محمدحسین وقار، تهران: نشر مرکز.
- عیوضلو، حسین. ۱۳۸۴. *عدالت و کارایی*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۷۶. *تفسیر المیزان*، جلد ۲۴.
- عزتی، مرتضی. بهمن ۱۳۷۸. «جایگاه عدالت در نظام اسلامی از دیدگاه حضرت امام خمینی»، *اولین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی دانشگاه تربیت مدرس*.
- عزتی، مرتضی. پاییز ۱۳۹۲. «تبعیض اقتصادی بین منطقه‌ای در ایران»، *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*، شماره ۳.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۸۸. *عدل الهی*، تهران: صدرا.
- حکیمی، محمدرضا و دیگران. ۱۳۸۱. *الحیات*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، جلد ۳.
- حکیمی، محمدرضا و دیگران. ۱۳۶۷. *الحیات*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، جلد ۶.
- فرزین، محمدرضا و همکاران. ۱۳۸۸. *طرح پژوهشی ارزیابی نحوه اجرای سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی (با استفاده از شاخص‌ها)*، کمیسیون نظارت دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- امیری، نعمت‌اله. ۱۳۹۱. «روش محاسبه شاخص توسعه انسانی»، *مجله اقتصادی، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی*، شماره ۱۲، صص ۱۳۸-۱۳۱.
- خدادادکاشی، فرهاد؛ باقری، فریده؛ حیدری، خلیل و امید خدادادکاشی. ۱۳۸۱. *اندازه‌گیری شاخص‌های فقر در ایران، کاربرد انواع خط فقر، شکاف فقر، شاخص فقر*، ۱۳۶۳-۱۳۷۹، مرکز آمار ایران.
- سلیمانی، فاطمه. پاییز ۱۳۸۵. «عدالت در آفرینش، ارزیابی نظرات متکلمان معاصر مسیحی بر مبنای فلسفه اسلامی»، *دوفصلنامه تخصصی حکمت سینوی (مشکوٰه النور)*،

شماره ۳۴.

سن، آمارتیا. ۱۳۸۱. *توسعه به‌مثابه آزادی*، ترجمه وحید محمودی، تهران: انتشارات دستان، چاپ اول.
خاندوزی، احسان. ۱۳۹۰. *تبیین عدالت اقتصادی از دیدگاه اسلامی*، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
صدر، محمدباقر. ۱۳۵۶. *اقتصاد ما*، ترجمه اسپهبدی.

ب - انگلیسی

- Charles, Kerwin K., and Jonathan Guryan. 2007. ***Prejudice and the Economics of Discrimination***, Working Paper No. 13661, NBER, Cambridge, MA.
- Christoffer Badse et al. 2006. ***Common Measures for Discrimination II: Recommendations for Improving the Measurement of Discrimination***, Published by The Norwegian Equality and Anti-discrimination Ombud and Danish Institute of Human Rights.
- Ellen A. Ensher, Elisa J. Grant-Vallone, Stewart I. Donaldson. 2001. "Effects of Perceived Discrimination on Job Satisfaction, Organizational Commitment, Organizational Citizenship Behavior and Grievances", ***Human Resource Development Quarterly***, Vol. 12, No. 1, pp. 53-72
- Michigan State University Board of Trustees. 2009. ***Interpreting the Index of Discrimination***.
- U.S. Equal Employment Opportunity Commission, in: <http://www.eeoc.gov/graphics/seal.png>.
- The Anti-Discrimination Board of NSW, in: [http://www.lawlink.nsw.gov.au/lawlink/Corporate/ll_corporate.nsf/vwFiles/ll_banner_slogan.jpg/\\$file/ll_banner_slogan.jpg](http://www.lawlink.nsw.gov.au/lawlink/Corporate/ll_corporate.nsf/vwFiles/ll_banner_slogan.jpg/$file/ll_banner_slogan.jpg).
- United Nations Development Programme, ***Human Development Report 2012 chaim Perelman***, Justice et Raison, 2e ed. 1970, Edition de Universit  de Bruxelles, pp. 12-14.
- <http://www.adviceguide.org.uk/england.htm>.

